

# ستاره سینما



۵۶ بیگان جوانان

بیگان  
جوانان  
www.javanan56.com



از آنجائیکه صنعت سینما توگرافی یکی از صنایع جدید بوده و مدت کوتاهی پیش نیست که بتکامل رسیده و مورد توجه عمومی قرار گرفته است هنوز

## روابط حقوقی بین دولت و سینما

نگارش: دکتر عبدالرضا مهدوی

بنابر این ولاحظه میشود که کانون دارای وظایف مهم و دشواری است که مهمتر از همه وظیفه رابطه بین دولت و حرفه سینما میباشد. ولی چون هیچکاری

بدون وسائل مادی و پول پیشرفت پیدا نمیکند ماده ۲ تصویبنامه مزبور اجازه نظارت در هزینه‌ها و عواید فیلمها را به «کانون ملی سینما» داده است. در نتیجه این نظارت کانون میتواند سفارش كك مالی و مساعدت فیلمهای معینی را بدولت بشناید و استرداد آنرا نیز تضمین کند. رابطه کانون با دولت از طریق شورایعالی سینما توگرافی Le Conseil Superieur de la Cinematographie صورت میگیرد و کانون تحت نظر این شوری انجام وظیفه میکند. «شورایعالی سینما توگرافی» از یکجمله متساوی نمایندگان مجلس، دولت، صاحبان استودیوها و کارکنان فنی صنعت سینما تشکیل شده و باین افراد یکجمله شخصیت‌هایی که بواسطه دارا بودن صلاحیت فنی هنری و با مالی از طرف دولت انتخاب میشوند اضافه میگردند و عده اعضای شورای مجوعاً

به سی نفر میرسد (تصویبنامه سوم سپتامبر ۱۹۵۳) پروانه اشتغال بحرفه کارگردانی سینما، «میزانسن» و تهیه فیلم «پرود و کسیون» از طرف شورا عالی صادر میگردد (آئین نامه ۲ مارس ۱۹۴۸) و شوری صلاحیت اشخاص را برای اشتغال باین حرفه در نظر میگیرد و حتی بصرای صدور پروانه مقررات بسیار سختی را رعایت میکند و تعدیلات وساقه و تجربه و اخلاق و رفتار و خاصه عوامل بسیاری را در این صدور پروانه در نظر میگیرد تا هر بسواد و بی‌سری نتواند اسم مورد استن بانه تهیه کننده فیلم را برخورد کند و در نتیجه کارگردان مجوزی خواست دست به تهیه فیلمی بزند باید ستاد بوی خود را بطریق کانون ملی سینما به شورای عالی تقدیم کند و درخواست اجازه تهیه فیلم را بشناید (بینه در صفحه ۳۸)

شورایعالی سینما که یکی از ارگانهای وزارت صنایع و تجارت آنکشور است (بجای کمیسیون نمایشات وزارت کشور در ایران) و «کانون ملی سینما» Le Centre National de la Cinematographie صورت میگیرد. این کانون که در نتیجه تصویبنامه ۲۵ اکتبر ۱۹۴۶ بوجود آمده است يك مؤسسه ملی متشکل از تمام استودیوهای فیلمبرداری آن کشور بوده و استقلال مالی دارد. اداره آن بوسیله يك مجمع شانزده نفری - هشت نماینده صاحبان استودیوها و هشت نماینده هنر پیشگان و کارکنان فنی - وزیر نظربك مدیر عامل صورت میگیرد. ماده ۶ تصویبنامه مزبور وظایف «کانون ملی سینما» را که نماینده سینمای فرانسه و سخنگوی رسمی استودیوها است بدین ترتیب معین میسازد: «مطالعه طرحهای قانونی و تصویبنامه‌های مربوط به صنعت سینما و دادن نظر مشورتی - نظارت بر تشکیلات حرفه‌ای و فنی - بخش فیلمهای دوگومانتر - شرکت در فستیوالهای بین‌المللی برای معرفی فیلمهای ملی - هم آهنگ ساختن کار استودیوها ب منظور پیشرفت در صنعت و هنر سینما - مدرن کردن وسائل فنی استودیوها - حل اختلافاتی که ممکن است بین استودیوها پیدا شود از یکطرف و اختلافاتی که بین استودیوها و هنر پیشگان ممکن است بوجود آید از طرف دیگر.»

### شرح عکس روی جلد الین استوارت

این دوشیزه زیبا و خوش هیكل یکی از ستارگان جدید و خوش آئینه مترواست که بزودی فیلمهایی از او در تهران خواهیم دید

در بسیاری از کشورهای جهان منجمله ایران قوانینی که شرایط و طرز کار و محدودیتهای کسانی را که بدین حرفه اشتغال دارند و روابط حقوقی آنها را بدولت تعیین نماید وجود ندارد. در نتیجه عدم وجود چنین قوانینی همیشه اختلافاتی بین دولت و استودیوهای فیلم برداری بروز میکند که بعنوان مثال میتوان موضوع چهل در صد عوارضی را که شهرداری از فیلمهای ایرانی مطالبه میکند نامبرد. ولی در بعضی از کشورهای مترقی که قوانین مربوط به سینما وجود دارد استودیوهای فیلمبرداری بوظیفه خود آشنا هستند و سعی میکنند فیلم خوب بسازند و استفاده کافی ببرند و در عین حال به پیشرفت هنر و صنعت سینمای ملی کشور خود نیز کمک نمایند.

فرانسه از نخستین کشورهای است که دست بپندویس قوانین مربوط به سینما زد با وجود این عمر این قوانین از چند سال تجاوز نمیکند و اغلب مربوط بسالهای بعد از جنگ اخیر هستند. غیر از چند تصویبنامه مورخ سالهای ۱۹۳۳ و ۱۹۳۵ مربوط بشناپشات بطور کلی تا بعد از جنگ اخیر روابط حقوقی بین دولت و سینما روشن نبود تا اینکه با وضع يك سلسله قوانین از سال ۱۹۴۵ بعد وضع این روابط در فرانسه روشن و معین گردید. در سایر کشورهای نیز بهمین منوال رفتار شد و قوانین مربوط به سینما در چند سال اخیر تدوین گردید این قوانین شامل ذو قسمت میباشد: قسمت اول مربوط بتهیه فیلم و قسمت دوم مربوط بشناپش فیلمها است که مسا جداگانه بذکر هر يك میپردازیم تا خوانندگان حقوق و وظایف سینما در یکی از کشورهای مترقی جهان یعنی فرانسه آشنا شوند. در فرانسه تماس بین دولت و سینما از طریق

دارنده امتیاز و مدیر: پ. گالستان سردبیر: کاظم اسماعیلی

سال دوم - شماره ۳۴ - چهارشنبه ۳۱ خرداد ۱۳۳۴

محل اداره: خیابان منوچهری - پاساژ لعل - طبقه سوم - تک شماره ۱۰۰ اریال



# مصاحبه من با «کرنل بورشرز» ستاره آلمانی در هالیوود

## زنی که هرگز از زیر نردبان عبور نمی‌کند و نمک به شانه‌های خود نمی‌پاشد!

ستاره هنرمندی که با چهار کمپانی امریکائی - اطریشی - فرانسوی و برزیلی قرارداد منعقد کرده است



خبرنگار مادر هالیوود، آنسای «اوانس پایاناس» اخیراً مقداری عکس و خبر جالب برای خوانندگان عزیز هدیه فرستاده است که بعضی از اخبار در صفحه «تازه‌ترین اخبار» بچاپ رسیده و در این صفحه عکس او و مصاحبه‌ای را که خبرنگار ما با هنرپیشه معروف آلمانی در هالیوود بعمل آورده، درج مینمایم.

چند روز قبل از طرف کمپانی یونیورسال اینترنشنال برای شرکت در یک مصاحبه مطبوعاتی دعوت شدم. وقتی باستودیو رسیدم مشاهده کردم که عده زیادی از خبرنگاران داخلی و خارجی جراید و مجلات در استودیو اجتماع کرده و خود را برای مصاحبه با «کرنل بورشرز» ستاره معروف آلمانی آماده ساخته‌اند. «کرنل بورشرز» پس از چند دقیقه وارد شد و با مدعوین آشنا گردید و سپس خبرنگاران دور او جمع شده و هر کدام در باره فیلمهای آینده او و قراردادش با کمپانی یونیورسال از وی چند سؤال نمودند که «کرنل» با خوشرویی مخصوصی بپه آنها پاسخ داد. طرز رفتار و اخلاق وی، با سابقه‌ای که همه از خشونت آلمانی‌ها دارند، بی‌سابقه بود و نشان میداد که هنرمند

### این عکسی است که خبرنگار ما با ستاره آلمانی برداشته است

ساله‌ای منعقد نموده و طبق این قرارداد وی ملزم است که هر سال یک فیلم برای آن کمپانی بازی کند.

«کرنل بورشرز» قبل از این نیز در سال ۱۹۵۱ در یک فیلم امریکائی شرکت کرده بود که «برش بزرگ» نام داشت. این فیلم با همکاری مونتگمری کلیفت و پل دو کلاس در آلمان تهیه شده بود و پس از اتمام آن کرنل توسط کمپانی فوکس به امریکا دعوت شد و مدت چهارماه نیز در هالیوود ماندولی چون فیلم جدیدی برای او در نظر نگرفتند، هالیوود ترک کرد و با آلمان مراجعت نمود. اکنون کرنل بورشرز اولین فیلم از قرارداد جدید خود را با تمام رسانیده است. این فیلم «نقطه دیروز» نام دارد و کرنل در مقابل راک هودسن و جرج ساندرز را بازی مینماید. نام اصلی این فیلم «زمانهای بادشده» بود ولی کمپانی اسم آنرا اخیراً عوض کرده است.

در این مصاحبه مطبوعاتی کرنل بورشرز نقشه‌های آینده خود را برای خبرنگاران شرح داده و گفت که بزودی به آلمان مسافرت کرده و در فیلم و نمایشهای جدیدی شرکت خواهد جست و سپس به امریکامراجعت نموده و در دومین فیلم خود بازی خواهد کرد. (بقیه در صفحه ۳۱)

همیشه و در همه جا بالاتر و برتر از حدود مردم هادی است. «کرنل بورشرز» ستاره‌ای است آلمانی که اغلب در فیلمهای آلمانی و اطریشی بازی کرده و اخیراً کمپانی یونیورسال اینترنشنال با او قرارداد پنج



«کرنل بورشرز» در میان خبرنگاران خارجی - مخبر مجله ما با علامت (X) مشخص شده است

# نازه ترین اخبار سینما



خواهد آورد ، ده سنت ( یکدهم دلار ) به کاری گرانت خواهد پرداخت . اولین فیلم این قرارداد بزودی جلوی دوربین خواهد رفت .

**استر ویلیامز و فیل هشتاد ساله**  
 اخیراً فیلم «مشوقه ژوپتر» با اشتراک استر ویلیامز و هوارد کیل با تمام رسید و در صحنه آخر فیلم واقعه ای رخ داد که استر ویلیامز آنرا برای آینده خود بد شگون میدانند . جریان از این قرار است که در این فیلم یک فیل بیست و هشت ساله نام «بیب» نیز در مهمی ایفای نقش کرده و چندین بار استر ویلیامز و هوارد کیل سوار آن میشوند اما

**« مارتین کارول » در هالیوود**  
 اخیراً « مارتین کارول » با کمپانی فوکس قرن بیستم قرارداد پنج ساله ای منعقد کرد که برای آن کمپانی سالی دو فیلم بازی کند . یک فیلم بزبان انگلیسی در هالیوود و یک فیلم بزبان فرانسه در پاریس و « مارتین کارول » نیز با بزودی پس از پایان فیلم « اولاموتز » به هالیوود خواهد رفت که در اولین فیلم خود شرکت کند اما برخلاف شایعات منتشره ، این فیلم « لرد وایتی » نخواهد بود زیرا « کریستیان ژاک » شوهر مارتین آنرا کارگردانی نخواهد کرد . در فیلم « اولاموتز » که در فرانسه و آلمان و اسیانیا بکارگردانی « ماکس اوبلس » تهیه میشود « مارتین کارول » کما فی السابق در صحنه ای از فیلم لغت مادر زاد شده و داخل حمام میگردد ولی موقعی که به هالیوود رفت دیگر از این خبرها نشناخته بود چون سانسور آمریکا شدیداً با صحنه های حمام مخصوصاً بالانان برهنه مخالف است .

## جستجو کنندگان

(جان فورد) کارگردان مشهور که تا کنون بیشتر از تمام کارگردانهای هالیوود جایزه اوسکار گرفته است از طرف جک وادرن مدیر استودیوی برادران وادرن دعوت شده تا از روی کتاب (جستجو کنندگان) فیلمی بهمین نام تهیه و کارگردانی نماید . چنانچه میدانید اکثر فیلمهایی که جان فورد میسازد غیر از چند هنرپیشه معروف مانند (تیرون باور) ، (جان وین) و (مورین اوهارا) از هنرپیشگان دیگری برای دل اول فیلم استفاده نمی نماید در این فیلم نیز دل اول بعهده جان وین واکتار شده و قرار است پس از اتمام فیلم (کوچه خونین) بلافاصله در فیلم فوق شرکت نماید کمپانی وادرن این فیلم را نیز بطریقه تمام رنگی و سینماسکوپ تهیه خواهند نمود و امید می رود مانند سایر فیلمهای (جان فورد) موفقیت زیادی بدست بیاورد .

## « کاری گرانت » با کمپانی پارامونت

قراردادی منعقد میکند پس از خاتمه فیلم « دزد را دستگیر کنید » کمپانی پارامونت قراردادی برای سه فیلم دیگر با کاری گرانت منعقد کرده است و در برابر هر دلار سود خالص که بدست



استر ویلیامز و هوارد کیل سوار بر فیل که در پایان فیلم مرد

این فیل هشتاد ساله که تاکنون در اثر مواظبت های فراوان زنده مانده بود و از دوران بازی در فیلمهای تاززان خاطرات خوشی « داشت بیکباره دچار مرض ضعف قلب شد و در صحنه آخر فیلم جان سپرد . قیمت « بیب » در زمان حیاتش بسبب داشتن هوش سرشار و طبع سالم و خلق خوش در حدود چند هزار دلار بود که البته کمپانی مترو گلدوین مایر مجبور است بصاحب آن بپردازد .

## هر چیزی اتفاق می افتد

در کمپانی معظم پارامونت اکنون مشغول فیلمبرداری آخرین صحنه های فیلم درام موزیکال (هر چیزی اتفاق می افتد) میباشد که با اشتراک (بینک کرازبی) هنر-پیشه معروف تهیه میشود . بطوریکه کمپانی پارامونت اعلام نموده است این فیلم بهترین فیلمی خواهد بود که از آغاز تاسیس کمپانی پارامونت تاکنون تهیه شده است . بدواز شکست بینک کرازبی هنگام بخش جوائز اوسکار متصدیان بفکر تهیه این فیلم افتادند تا بتوانند در سال جاری موفقیتی برای بینک کرازبی بدست آورند . در این فیلم (دونالد اوکانور) و (میتزی کینود) و (بیزی ژانر) نیز شرکت دارند .

## « ویلیام هولدن » و فستیوال

### هالیوود

« ویلیام هولدن » تنها کسی است که برای فستیوال هالیوود بیش از همه اصرار میورزد و میخواهد هر چه زودتر فستیوال سینمایی هالیوود را برابریانندازد اما چون در آمریکا هیچ بنگاه دولتی یا ملی حاضر نیست مخارج گزاف این فستیوال را متحمل شود فعالان ویلیام هولدن بسنگ خورده است اما وی اعلام کرده چنانچه « آکادمی علوم و هنرهای سینما » باین کار اقدام نکند ، شخما با پول خود فستیوال هالیوود را برابری خواهد انداخت .

**« آلبرت اینشتین » روی پرده سینما**  
 بیست و دو روز بعد از مرگ آلبرت اینشتین ریاضی دان هالیقدر آلمانی ، مستر جک وادرن مدیر تهیه و محصولات کمپانی وادرن در یک جلسه مطبوعاتی اظهار داشت که بزودی تهیه فیلمی از روی زندگی اینشتین بنام « سرگذشت آلبرت اینشتین » در آن کمپانی تهیه خواهد شد .

جک وادرن بدینجهت تصمیم باین کار خطیر گرفته که اینشتین در زمان حیاتش یکی از دوستان خصوصی و صمیمی وی بشمار میرفت و جک وادرن میخواهد بدین وسیله پاس دوستی او را نگهداشته و خاطره ویرازنده کند .

ستاره فیلم «کینگ کونگ» بعالم سینما باز میگردد

«فیوری» ستاره فیلم معروف «کینگ کونگ» اخیراً پس از بازگشت سه ساله دوری از هالیوود، دوباره به پایتخت سینما بازگشته و این بار کمپانی برادران وانراو را استخدام کرده است تا در مهمی در فیلمی «تاریکترین ساعت» ایفا نماید. هنر پیشگان عمده این فیلم «آنلد»، «ادوارد درابینسون» و «جون درو» هستند و «فیوری» در نقش یکی از ستارگان مشهور دوران صامت نمودار میگردد که بدست قاتل سفاکی کشته شده و آنلد قاتل او را پیدا میکند.

«پیر آنجلی» بهبودی میباید بطوریکه در روزنامه ها خوانده اید، اخیراً هوایی که پیر آنجلی ستاره معروف ایتالیایی با آن مسافرت میکرد، در اثر نقص موتور سقوط کرد و یکپای وی شدیداً صدمه دید و حتی بعضی از پزشکان حدس میزدند که طفل هفت ماهه او سقط شود اما خوبخاتنه آسیب آنقدر زیاد نبود که این

فاجعه را بوجود آورد. حالا دیگر پای پیر آنجلی بهبودی یافته و باشوهرش «ویک دیون» آوازه خوان معروف کلوب های شبانه و تله ویز یون، زندگی نوینی را آغاز کرده است.

عکسی را که در این صفحه مشاهده میفرمایید اخیراً از امریکا برای ماریسید و این زوج خوشبخت را در خانه آنها نشان میدهد.

جزیره

(جک ها کینز) هنرپیشه انگلیسی از طرف کمپانی کلمبیاد هوت شده که در فیلم (جزیره) در اول را بعهده بگیرد (ادنا رومنی) تهیه کننده فیلم برای اینکه صحنه های فیلم بطور طبیعی باشد چون داستان آن در اسپانیا اتفاق می افتد لذا دستور داده که هیئت فیلمبرداران با درید پایتخت اسپانیا عزیزت نمایند و البته صحنه های داخلی در خود لندن تهیه خواهد شد و توسط کمپانی کلمبیا در آمریکا بخش خواهد گردید.



عروسی پیران!

در این هکس (جون کرافورد) رامی بینید که با کک (آلفرد استیل) رئیس کمپانی (بیسی کولا) مشغول بریدن کیک است البته این کیک مخصوص عروسی ایندو می باشد که داماد دستور داده است درست کنند. عروس شانم ۷ ساله داد و قبلا سه بار ازدواج کرده بود و از سن جناب آقای داماد نیز ۵ سال میگذرد. عروسی جون کرافورد با مردمیلیونری مثل (آلفرد استیل) در تمام محافل هالیوود مثل بعب صدا کرد زیرا همه تصور میکردند که وی دیگر دست از زندگی زناشویی شسته و بقیه عمرش را صرف تربیت کودکانش و بازی در فیلمها خواهد نمود اما ازدواج او اساس تمام این تصورات را واژگون کرد.

غول

بعد از مدت ها که (جورج استیونس) تهیه کننده و کارگردان معروف در فکر تهیه فیلم غول که توسط (ادنا فریر) نویسنده معروف امریکایی نوشته شده وقت تلف نمود، بالاخره هنر پیشگانی که بتیب فیلم مذکور بفرود پیدا و انتخاب نمود و فیلم در ماه جاری جلوی دوربین خواهد رفت. جورج استیونس (الیزابت تیلور) را از کمپانی مترو کلدوین مایر، (رالک هودسن) را از کمپانی یونیورسال اینتر نیشنال بقرض گرفت و با اتفاق (جیمیز دین) هنرپیشه هنرمند جدید که با بازی در فیلم (شرق بهشت) شهرت عالمگیری کسب نموده است، شروع به فیلمبرداری فیلم مزبور نمود. کمپانی برادران وانراو این فیلم را بطریقه سینما سکوپ و تمام رنگی تهیه مینماید و امید زیادی بموفقیت آن دارد.

چهاراه بوانی

(جورج کاکور) کارگردان معروف (بقیه در صفحه ۳۸)



پیر آنجلی پس از بهبودی باشوهرش (ویک دیومون)

# يك نظر كلي بتحولاتی كه در صنعت سینما تو گرافی و استودیوهای ایرانی بوجود آمده است - در ایران تاکنون چند استودیو تأسیس شده و چند فیلم تهیه گردیده و چرا بعضی از استودیوها منحل شدند

و برخی رو بترقی و پیشرفت رفتند ؟

(بقیه از شماره قبل)

## تهران فیلم

فقط يك فیلم بنام «پریچهر» نمایش داده که سناریوی آن از روی داستان پریچهر انزاقی مطیع الدوله حجازی اقتباس شده بود و چون در آن فنون و رموز سناریو نویسی بکار نرفته بود، نه تنها لطمه زیادی به داستان زد بلکه خود نیز موفقیتی نیافت. استودیوی «تهران فیلم» پس از «پریچهر» میخواست فیلم دیگری تهیه کند ولی معلوم نیست روی چه اصلی از ادامه بکار خودداری نمودو حالا بشارتیان با کمک ارتش يك فیلم میهنی بنام «در راه نجات وطن» تهیه کرده که اسم استودیوی او نیز «تهران فیلم» میباشد.

## شرق

این استودیو فیلم (يك نگاه) را تهیه کرد و فقط يك (1) ستانس در سینما پاوك نشان داد زیرا فیلم بقدری بی معنی بود که فریاد (یا مرك یاسیزده ریسال 1) مردم باسماں رفت و ناچار از ستانس دوم به نمایش فیلم دیگری پرداختند. هر چند مدتی بعد که سر و صداها خوابید، باز اقدام به نمایش فیلم مذکور کردند اما همان شهرت بد سابق باعث شد که این فیلم نیز چند روزی بیشتر نتواند روی پرده بماند.

## عمر خیام

(جدال با شیطان) اولین و آخرین محصول این استودیو بود. (جدال با شیطان) با آنکه سناریویش در مسابقه رادیوی دهلی برنده جایزه بورگی شده بود، معمهذا فیلم خوبی از آب در نیامد و تهیه کنندگان را بظنک سیاه نشانید.

## شهریار

تنها فیلم جنگی ایرانی بنام (میهن پرست) در این استودیو ساخته شد و پس از نمایش آن که بیش از چند روز نبود، استودیو منحل گردید.

## شهر زاد

یکی از بهترین فیلمهای ایرانی که مورد توجه خاص مردم قرار گرفت (محکوم بی گناه) بود که در استودیوی شهرزاد با شرکت معزون ساخته شده بود. (محکوم

بی گناه) بواسطه ذوق و ظرافتی که در تهیه اش بکار رفته بود آنرا از سایر محصولات فارسی متمایز میکرد و نشان مهاد که صاحبان استودیو در کارهای هنری سینما وارد هستند. استودیوی شهرزاد اکنون فیلم دیگری نمایش میدهد بنام (دزد بندر) که در صحنه انتقاد فیلهما در شماره گذشته راجع بآن بحث شده است.

## کاوایان

فیلم (دختر سر راهی) محصول این استودیو بیش از چند روزی پرده سینما مترویل را اشتغال نکرد و استودیوی کاویان بهمان بی سر و صدائی که تأسیس شده بود، بهمان آرامی منحل گردید!

## طلوع

این استودیو که فقط يك فیلم بنام (بر باد رفته) ساخت، نتوانست پس از شکست اولین فیلمش فیلم دیگری تهیه نماید و ناچار به اخلاف خود پیوست.

## استودیو ارتش

فیلم رنگی (قلملمی) باشتراك تفکری در استودیوی ارتش تهیه شد و بیش از پانزده روز کار نکرد زیرا فیلم با آنکه زمینه خوبی برای صحنه های کمیک و خنده آور داشت معمهذا بواسطه بی تجربگی مسئولین امر فیلم خوبی از آب در نیامد.

## ایرانا

جیشید شیبانی مؤسس این استودیو است؛ تنها فیلم استودیو ایرانا (برای تو) بود که در اوائل فروردین امسال در سینما ایران بمرض نمایش درآمد و مدت ده شب کار کرد. شباهت زیادی که داستان (برای تو) با فیلم (مکانی در آفتاب) داشت مایه تعجب مردم شده بود. (برای تو) فیلم خوبی نبود و موفقیتی کسب نکرد. دو استودیوی زیر نیز فیلمهای تهیه کرده اند که هنوز نمایش داده نشده است: (بقیه در صفحه ۱۶)



منظره داخلی استودیوی عصر طلایی که مجهز به جراثقال جدیدی شده است

# حقه‌های فیلم «خواب و خیال» و دکتر «سیکلوپس» چگونه ساخته شد؟

اهمیت پرده «ترانس پارانس» در ابداع حقه‌های سینمایی

کسانی که بتماشای فیلم «خواب و خیال» رفته‌اند، در يك صحنه از فیلم مشاهده کردند که مجید محسنی چتر بدست گرفته و در آسانها پروازی کند و در صحنه دیگر جلوی مجسمه فرودوسی ایستاده و قد او بقدری بزرگ است که مجسمه فرودوسی در مقابل او مثل بچه‌ای نمودار می‌گردد. در حقیقت برای ساختن و برداختن چنین صحنه‌ای یکی از ابتدای ترین «حقه‌های سینمایی» بکار رفت بدین معنی که فیلمبردار یکبار صحنه‌های زمینه‌را که عبارت از میدان فرودوسی و مجسمه باشد عکسبرداری کرده و بار دیگر مجید در مقابل پرده مضل سیاه (برای غیر قابل انعکاس شدن نور) ایستاده و با مجسمه حرف زده است و البته فیلمبردار فاصله مجید با دوربین و مجسمه با دوربین را طوری اندازه گیری کرده که پس از انطباق این دو فیلم چنین بنظر برسد که مجید محسنی با هیکل عظیم در مقابل مجسمه ایستاده است.



عکس بزرگ شده خروس روی پرده «ترانس پارانس» و هنرپیشگانی که در مقابل این پرده عظیم مشغول بازی هستند

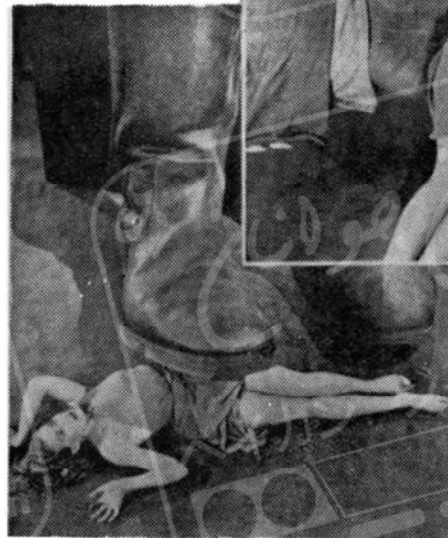
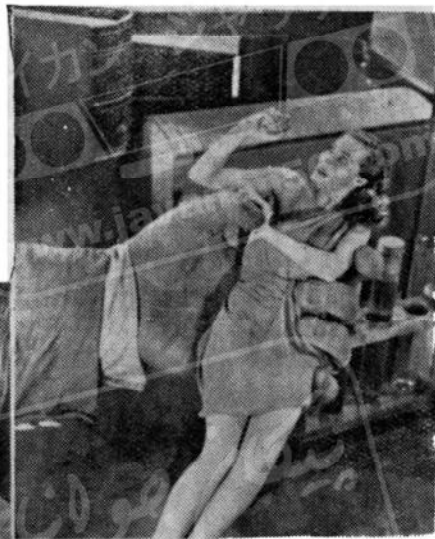
میورزد و در بعضی از صحنه‌های فیلم (مطابق شکل) میخواهد دختر را در دستش خفه کرده و یا زیر پاله کند اما دوستان قهرمان فیلم بدادش می‌رسند و او را نجات میدهند.

برای اینکه مقیاس نسبت بین هیکل دکتر سیکلوس و قهرمانان کوتاه قسد فیلم برای تماشاچی قابل درک باشد، در فیلم برخی از قسمت‌های بدن دکتر دیوانه را مصنوعا ساختند. مثلا دست پسا چکمه‌ای که در عکس دیده میشود، مصنوعی هستند منتها ابعاد آن چند برابر بدن دختر است و تماشاچی هنگام تماشای فیلم تصور مینماید که هیکل قهرمان فیلم کوچک شده است. این چکمه‌ای که نزدیک است دخترک زیر آن خورد و شیر شود در استودیو ساخته شد و از بالا بوسیله جراثقال ویکی دونفر متخصص هدایت میشد و حرکات آن بوسیله تسمه‌های فازی محکم کنترول می‌گردید. دست دکتر سیکلوس نیز با همین مقیاس درست شد و باز همین همان وسائل برای حرکت دادن مفاصل انگشت بکار رفت. ارنت شودساک این طریقه را از فیلم کینک کونک بیاد داشت.

تمام اسباب و اثاثیه اطاق «دکتر سیکلوس» موفی که قهرمانان فیلم بطور جدا گانه بدون وجود کتر غول پیکر نشان داده میشدند، با ابعاد بزرگتر از حد معمول ساخته شده بود. مثلا پله‌کافی در فیلم وجود داشت که هر پله آن باندازه قد يك نفر آدم معمولی بود و البته ارتفاع این پله‌کان درست بهمان اندازه حقیقی ساخته شده بلکه مخصوصا آنرا بزرگتر درست کرده بودند که تماشاچی در مقام مقایسه تصور کند هیکل بازیکنان کوچک شده است. دو تسمه‌هایی از فیلم که بازیکنان در مقابل دکتر سیکلوس ظاهر میشدند جریان بدینقرار بود که بازی آنها را جدا گانه روی دو فیلم مختلف ضبط کرده و سپس این دو فیلم را رو بهم منطبق و چاپ می‌کردند. در یکی از صحنه‌های فیلم باز یکنان با خروس (بقیه در صفحه ۳۱)

داستان فیلم عبارت است از سرگذشت دکتر نیمه دیوانه‌ای که قرص عجیبی اختراع کرده و بوسیله آن دشمنان خود را کوتاه و ضعیف البته می‌سازد و سپس از آنها انتقام می‌گیرد. کوچکی انسانها در این فیلم آقدر زیاد است که يك خروس در مقابل آنها حکم فیل را پیدا می‌کند و سوسمار با اندازه یکی از حیوانات ما قبل تاریخ می‌شود. دکتر سیکلوس با قهرمان فیلم که دختر زیبایی است خصومت شدیدی

دست دکتر «سیکلوس» مصنوعی و با ابعاد بزرگتر از حد معمول درست شده است



این چکمه بطور مصنوعی ساخته شده و با جراثقال حرکت داده میشود

# شرق بهشت EAST OF EDEN

درام هیجان انگیز و تأثر آوری از آرزوهای جوانی که می‌خواهست  
مورد محبت پدرش قرار گیرد و پدری که پسر دیگرش را بر  
او ترجیح میداد ... - شاهکار ادبی «جان اشتاین بک» بوسیله «الیاکازان» هنرمندترین  
کارگردان امریکائی روی پرده سینما می‌آید

## در جستجوی محبت

... پدر بین بکوجه کرده‌ام که تا این اندازه در نظر تو خوار و خفیف شده‌ام و چه باید بکنم که نزد تو عزیز و سر بلند باشم؟ همیشه این آرزو را داشته‌ام که از محبت پدری برخوردار گردم. من که مادر ندارم و لذت نوازش او را هرگز نچشیده‌ام، می‌خواهم لااقل پدری مهربان داشته باشم ولی میبینم که تو برادرم را بن ترجیح میدهی و همیشه و نزد همه کس مرا تحقیر می‌کنی. من در این جنگ بول زبادی بی‌چنگ آورده‌ام و همه آنرا بشوم میبخشم که از ورشکست شدن نجات یابی و در عوض انتظار یک کلمه محبت آمیز و یک نگاه پدرانه از تو دارم. پدر، این کلمه و این نگاه را از من دریغ نکن ...

طین التماس «کال» در سالن بیچید و انمکاس آن مانند شلاق بر صورت پدرش «آدام تراسک» خورد. بک لحظه کوتاه سکوت سنگینی بر همه جا حکم فرما شد. تمام مهمانان نفس را در سینه خود حبس کرده و جرئت ابراز کلمه‌ای را نداشتند. «آرون» برادر «کال» پدرش می‌نگریست و از نگاههای او بی‌تصمیمی و عدم اطمینان بخود

مشهود بود. (آبرا) نامزد (آرون) و معشوقه (کال) در گوشه‌ای ایستاده و بهت زده باین منظره عجیب مینگریست (آدام تراسک) دستش را بلند کرد و سیلی محکمی بگوش پسر کوچکش که مورد تنفر او بود، نواخت و فریاد برآورد: «پرو کاشو! برو از جلوی نظرم دور شو! یک عمر باهزت و افتخار زندگی کرده‌ام و حالا تو بن پیشنهاد استفاده از پولهای کثیفت رامی‌کنی؟ تومی خواهی که من این پولی را که از راه احتکار غوا و روسا بدست آورده‌ای برای خودم بردارم؟ هرگز ...

گویی صاعقه‌ای بر مغز «کال» فرود آمد. چند دقیقه بهت زده پدرش نگاه کرد و سپس سرفاکنده آهسته آهسته از سالن خارج شد و حتی بکبار نیز نظری به‌عقب نیانداخت ...

## تأثیر صحنه

در این وقت از یک گوشه دیگر سالن فریادی از درون بلند گوشیده شد (قطع): یکباره سکوت سالن در هم شکست و (کال) خوشحال و خندان نزد پدرش بسرگشت و مهمانان مشغول در آوردن لباسهای رسمی

خود شدند. فیلم بردار دکمه دستگاه خود را زد و کارش را تعطیل کرد. کارکنان استودیو هر کدام مشغول اتمام کار خود شدند مأمور و رسدای برداری نیز دستگاهش را خاموش کرد. درهای استودیو باز شد که بازیکنان از روی سن خارج شوند و در تمام این مدت تنها یک نفر ساکت و بیحسرت نشسته و تکان نمی‌خورد. او (الیاکازان) کارگردان فیلم بود. (الیاکازان) گویی در حالت خلسه فرو رفته است. چشمانش را بصحنه دوخته و همچنان بی‌حرکت بود. بازی (جینز دین) در نقش (کال) و (دیو بندمسی) در نقش (آدام تراسک) پدر او، بقدری عالی و مؤثر بود که حتی الیاکازان را تحت تأثیر قرار داده بود ...

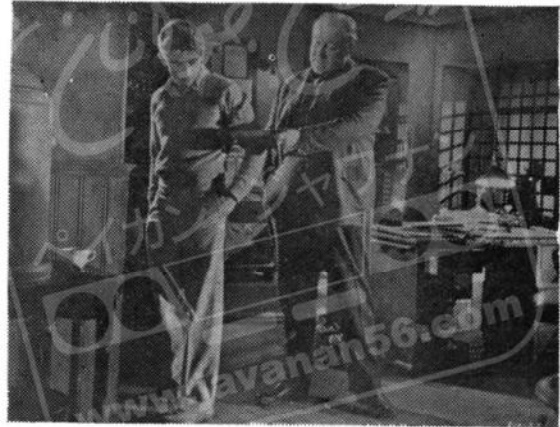
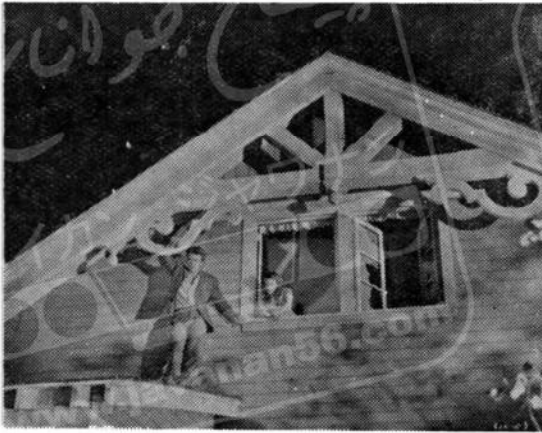
بدین طریق یکی از مشکل ترین صحنه‌های فیلم درام «شرق بهشت» بیابان رسید و کار روزانه تعطیل شد اما نظیر چنین صحنه‌های همه روزه در قسمت‌های مختلف فیلم به چشم می‌خورد و نتیجه این شد که «شرق بهشت» بتواند بهترین فیلم دراماتیک چند سال اخیر معرفی گردید و در فستیوال «کان» به الیاکازان جایزه بهترین کارگردان را دادند. این افتخار



«کال» در مورد «آبرا» به برادرش حسد میبرد

«کال» همیشه مورد بی‌اعتنائی پدرش قرار میگرفت





### «کال» شبانه سراغ «آبرا» رفت...

دلیل چندین روز از استودیو غیبت نوده است. بعضی‌ها میگویند وی میخواست کارهایی را که قبلاً (مارلون براندو) کهنه کرده بود، دوباره انجام دهد و برخی عقیده دارند که چون وی اصلاً پسر ذارع بوده و دو هوای آزاد و محیط باز پرورش یافته، صاحب این اخلاق شده است اما این نکات کوچک مانع نمیشود از اینکه او را هنرپیشه هنرمندی ندانیم. بسازی او در بیس معروف (دشمن اخلاق) بقلم آندره ژید، نظر الیاکازان را جلب کرد و او را برای ایفای رل مهم اول فیلم «شرق بهشت» استخدام نمود و از نتیجه انتظاب خود نیز بسیار راضی است زیرا همانطور که وی مارلون براندو را کشف کرد و با او شهرت و افتخار رساند، اکنون هنرمند دیگری به نام سینما تقدیم کرده که شاید بزودی جای مارلون براندو را از لحاظ هنری بگیرد.

(جولی هاریس) که خواننده کان محترم برای اولین بار با نام او آشنا میشوند، هنرپیشه با استعدادی است که سالیان دراز در صحنه تئاترها هنرنمایی کرده است و این دومین فیلم او محسوب میشود. وی با اینکه خوشگل نیست ولی چنان عالی بازی میکند که هیچکس متوجه خوشگلی و زشتی او نمیشود.

نقش حساس و مشکل (آدام تراسک) پدر خانواده، آ تقدر برای (ریموند ماسی) جالب بوده که وی با متجاوز از سی سال سابقه هنرپیشگی، اظهار میدارد در عمرش ولی باین خوبی بعهده نگرفته بوده است. موقصیه الیاکازان این دل را با او پیشنهاد کرد، در وهله اول میخواست از اجرای آن سربازند زیرا آ ترا ما فوق قدرت خود میدانست اما الیاکازان او را تشویق

(بقیه در صفحه ۳۱)

### داروغه به «کال» اطلاعات داد که مادرش فاحشه است

سازد. فیلم «شرق بهشت» بطریقه سینما- سکوپ و رنگی تهیه شده و این اولین باری است که یک داستان صمد در صد درام بطریقه سینما سکوپ روی پرده میاید. فیلم در کیمانی برادران وارد و بسولیت مستقیم خود الیاکازان تهیه و کارگردانی شده است. وجه تسمیه فیلم بواسطه شباهت زیاد سوژه اصلی آن با سرگذشت حضرت آدم و دو فرزندش «هابیل» و «قابیل» میباشد که در این فیلم «جیمزدین» برسنازی شبیه «قابیل» و «دریچارد داوالوس» برسنازی مثل «هابیل» دارد و «هرق بهشت» کتایبه از بهشت عدن است که حضرت آدم در آنجا میزیست و از همانجا از بهشت رانده شد.

### هنر پیشگان

باز یکتان اصلی فیلم از چند نفر تجاوز نمیکنند که عبارتند از: جولیه- هادیس (آبرا) - جیمزدین (کال) - ریوند ماسی (آدام تراسک) - ریچارد داوالوس (آرون) - برل آیوز (سام - کوپر) و عده دیگری که رلهای آنها چندان مهم نیست. صحنه‌های خارج فیلم در هره باصفای (سالهناس) که وقایع کتاب دو آنجا اتفاق میافتد، فیلمبرداری شده و الیاکازان برای اینکه رئالیسم را بنتها درجه در فیلم خود رعایت کند، دستور داد شهر کوچکی بسپس شهرهای قبل از جنک بین المللی اول بسازند تا کاملاً صحنه‌ها حقیقی بنماید.

«جیمزدین» که در نقش (کال) ظاهر میشود بهترین و مهم‌ترین هنر پیشه این فیلم است. وی جوانی است اخلاقاً بی بند و بار و اصولاً به وضع ظاهر خود اهمیتی نمی‌دهد و گاه اتفاق افتاده است که بدون

بآسانی نصیب هر کسی نمی‌شود بلکه برای رسیدن باین مقام والا کوشش و زحمت و مهارت لازم است. ذوق لایم است. استعداد لازم است و خیلی چیزهای دیگر لازم است که شاید فقط الیاکازان واجد همه آنها باشد.

### یک شاهکار ادبی

فیلم «شرق بهشت» که صحنه‌ای از آن در سطور بالا ذکر شد اخیراً توسط کیمانی «برادران وارد» برای نمایش آماده گردیده است. سناریوی این فیلم از روی شاهکار «جان اشتاین بک» یکی از بزرگترین نویسندگان آمریکا در عصر جدید، اقتباس شده و مسئول تهیه سناریو «پل اسبورن» بوده است که در نوشتن و پروراندن صحنه‌های در اماتیک تجربه و سابقه زیادی دارد.

این کتاب از طرف کلیه منتقدین ادبی بعنوان دومین شاهکار «جان اشتاین بک» معرفی گردیده (شاهکار اولی او «خوشه‌های خشم» است) و طبق گزارش دوروزنامه مهم (نیویورک هرا لدریون) و (نیویورک تایمز) از لحاظ فروش همیشه در رأس کتابهای تازه چاپ امریکا قرار داشته است. جان اشتاین بک در این کتاب یکبار دیگر قدرت قلم و عمق فکر و روح نقاد خود را بنصه ظهور رسانیده و نشان داده است که خالق (خوشه‌های خشم) همیشه قادر است آثار مؤثر و جالبی در زمینه درام بوی و د آورد و (الیاکازان) نیز با تهیه فیلم «شرق بهشت» ثابت کرده در حال حاضر بهترین کارگردان بوده و استعداد و ذوق او میتواند به خطوط خشک و بیجان کتاب روح و جسم داده و یک داستان روانشناسی را با هیجان عمیق و درد آلودی روی کادرهای شفاف فیلم‌ها و ادان

## فالگوش



## سامول خاچیکیان

کیلومتری تهران درجاده کرج ساخته و آماده گردیده، منتقل خواهد شد. ثالثاً عنایت الله فمین فیلم بردار پارس فیلم و محمود کوشان برادر دکتر کوشان که همراه او برای تکمیل معلومات آلمان و ایتالیا رفته بودند تاچندی بعد در استودیوهای آلمان و ایتالیا بکسب معلومات جدید پرداخته و پس از مدتی مطالعه و تجربه بایران مراجعت خواهند کرد. بطوریکه گفته می شود فعلاً دکتر کوشان خیال ندارد فیلم جدیدی جلوی دوربین ببرد.

## فیلم های لوکس فیلم بایران می آید

کیبانی لوکس فیلم ایتالیا که تاکنون چند فیلم خوب از آن در تهران نشان داده شده و «برنج تلخ» یکی از آنهاست اخیراً پنج فیلم رنگی و بزرگ تهیه کرده که تاکنون هیچکس از سرمایه داران ایران بواسطه گرانی فوق العاده حاضر به وارد کردن آنها نشده بود تا اینکه یکی از بازرگانان آنها را یکجا خریده و بایران وارد کرده است. این پنج فیلم عبارتند از: ۱ - اولیس (سیلوانامنگانو و کرک دوکلاس) ۲ - آتیل، بلائ آسمانی (آنتونی کوپن و سوفیا لورن) ۳ - سنسو (والی و فادلی گرنجر) ۴ - تودور، امپراطریس بیزانس (سیلوانا پامپاینی) ۵ - چرخ و فلک نابل (عده ای از هنر پیشگان هنرمند و معروف) احتمال داده میشود از پاییز امسال فیلمهای فوق یکی پس از دیگری در تهران نمایش داده شوند.

## اختلاف استودیوی عصر طلایی و دلکش

بطوری که مسئولین استودیوی عصر طلایی اظهار میدارند اخیراً اختلاف شدیدی بین آن استودیو و بانو دلکش خواننده شهر پرورز کرده است. ماهی اختلاف از آن جا شروع شد که بانو دلکش قرار دادی با استودیو عصر طلایی بست تا در یک فیلم موزیکال محصول این استودیو شرکت کند ولی چندی بعد بانو دلکش زیر قرار داد



خود زده و با رادیو دهلی قرارداد جدیدی منعقد کرد تا در برنامه های آن رادیو آواز بخواند. مسئولین استودیو اظهار میدارند که در اثر این نقض عهد مبلغ ۲۵۰۰ هزار تومان خسارت متوجه آنها شده است که بهیچوجه نمی توان جبران کرد.

در هر صورت این درست عین گفته های مسئولین استودیو است و البته بانو دلکش نیز بسهم خود دارای دعوی چندی میباشد و برای این خلف وعده لابد دلیلی در دست دارد که البته پس از تحقیق کامل نظریه ایشان نیز در مجله منعکس خواهد شد.

## کاروان «خون و شرف» بماز ندران

میرود

استودیو دایانا که با نمایش فیلم «خواب و خیال» محصول ولایت ته کشیده اخیراً

اقدام تهیه فیلم جدیدی نموده است که «خون و شرف» نام دارد. تهیه کننده و کارگردان این فیلم سامول خاچیکیان برنده جایزه بهترین کارگردانی ایران میباشد داستان فیلم مربوط پسر گذشت عده ای ژاندارم از جان گذشته میباشد که برای عظمت ایران از ایشار خون خود نیز دریغ ندارند. صحنه های «خون و شرف» تماماً در خارج از تهران و در میان طبیعت تهیه میشود و برای انتخاب محل فیلم برداری، سامول خاچیکیان

پنجشنبه گذشته با اتفاق چند نفر بیابل و بابل و دهات اطراف آنجا رفته است که البته پس از انتخاب محل بطور قطعی بقیه هنر پیشگان و کارکنان فنی نیز با زاندران مسافرت خواهند کرد. هنر پیشگان مهم این فیلم عبارتند از: آرمات، سیروس، کیانی، حواجوی، زندی، منصور، و یکن.

دل اول زن فیلم «خون و شرف» بمهد دوشیزه ای معول شده که فعلاً استودیو دایانا فیلم از ایشای نام او خود داری می کند ولی خودشان می گویند شباهت زیادی به «مریلین مونرو» دارد و با این فیلم شهرت بی نظیری کسب خواهد کرد. فعلاً هنر پیشگان فیلم مشغول تعلیم اسب سواری هستند که هنگام فیلم برداری دچار دردسر نشوند.

## دکتر کوشان از سفر آلمان

باز گشت

طبق اطلاع واصله دکتر کوشان مدیر استودیو پارس فیلم از سفر اخیر خود به آلمان و ایتالیا بازگشت. از این سفر چنانکه گفته می شود نتایج زیادی بدست خواهد آمد. اولاً اینکه استودیوی پارس فیلم دارای وسایل زیادی از لحاظ فیلم برداری و چاپ وضبط صدا گردیده و از این پس چنانچه محصولی بیرون دهد، آن فیلم لااقل از نقطه نظر فنی کم حیب خواهد بود. ثانیاً استودیوی سابق بکلی منحل شده و محل آن بصورت سینمایی در خواهد آمد و محل استودیو به پلاتوی جدیدی که در چهارده

## بیوگرافی مختصر هنرپیشگان معروف دنیا

ادی آلبرت - این هنرپیشه کمیک که او رادر فیلمهای متعددی دیده‌اید ، روز ۲۲ آوریل ۱۹۰۸ در «دراک آیلند» آمریکا با برصه وجود گذارد . نام اصلی او «ادی آلبرت هیمبرگر» بود که پس از مدتی قسمت آخری را از نام خود حذف کرد . ادی آلبرت مدت دو سال در دانشگاه «مینه زوتا» بود و سپس به نیویورک رفت ولی شغلی بدست نیاورد و آقادر گرسنگی کشیده که ناچار دل کوچکی در نمایشات رادیویی قبول کرد . مدتی بعد وضعیتش بهتر شد و در نمایش «برادر موش» دل اول را ایفا نمود و همین دل را در فیلمی تکرار کرد تا اینکه به شهرت و مقام رسید

آخرین فیلم او «مرا بعد از نمایش ملاقات کن» نام دارد .  
**ماری آلدون** - اولین بار که روی صحنه ظاهر شد در سن دو سالگی بود که اتفاقاً در یکی از نمایشات موطن خود «تورنتو» روی صحنه رفت . وی دوکانادا متولد شده و موقعیکه در سنین بلوغ بود ، با دسته بالرین‌های کانادائی همکاری میکرد ولی پس از مدتی کشفهای بالت را بدور انداخت و در نمایش «انوبوسی بنام هوس» دلی ایفا کرد . همین «دل» برای او شهرت مختصری بدست آورد و مدتی بعد کاری کوپر اورادید و برای ایفای دل مقابل خود در فیلم «طلبنهای خطر» پسندید . دو فیلم‌های «تانکها ازدیک میشوند» و «شکست جنابین» و «کنتس با برهنه» و لهای مهمی ایفا کرده است .

**جون آلیسون** - پس از ده سال که تحت کنترات کپایی مترو بود حالا قرار دادش خاتمه پذیرفته و در کپیهای مختلف رلهای گوناگون ایفا میکند . از سنش ۳۲ سال میگذرد و هنوز یکی از محبوبترین ستارگان آمریکائی بشمار میرود و قسمت عمده‌ای از موفقیت فیلم «سرگذشت کلن میلر» مدیون او بوده است . ۹ سال است که با دیک پاول ازدواج کرده و چهار طفل دارد که دو تای آنها سر راهی بوده و دوتای دیگر از خود اوست . اولین فیلم او (دو دختر و یک ملوان) نام داشت و از آخرین فیلمهایش باید «فرماندهی نیروی هوایی» و «سرگذشت مک کانل» را نامبرد . سالانه ۳۵۰ هزار دلار در آمد دارد .

**دون آمج** - با اینکه مدتهاست صحنه سینما را ترک کرده و به تله ویز یون پناه برده معیناً هنوز مورد درخواست استودیوهای بزرگ میباشد و در دنبال او میفرستند زیرا هیچکس بجز او در رلهای کمدی موزیکال تجربه و مهارت ندارد . نام اصلی او (دو مینیک فلیکس آمج) است و در ۳۱ مه ۱۹۱۰ در شهر (کنوشا) از شهرهای ایالت (ویسکانسین) آمریکا متولد گردیده است . در زندگی خانوادگی مرد خوشبختی است زیرا یک همسر خوشگل بنام (هونوره) و چهار پسر از خود دارد و در ضمن دو دختر یتیم را نیز بفرزندگی قبول کرده است . فعلاً وضع او در تله ویز یون رو بصعود است .

**لئون ایلمز** - تاکنون متجاوز از یکصد دل مختلف بازی کرده و از سال ۱۹۳۲ که در فیلم (جنابیت در کوچه مورک) دوره هنرپیشگی خود را در سینما آغاز کرد ، تاکنون همیشه مورد نظر کارگردانان سینما بوده است . هرچند رلهای درجه اول را ایفا نمیکند ولی برای رلهای دادستان ، دکتر ، روانشناس ، کارآگاه ، وکیل مدافع و این قبیل رلهای آفریده شده بهترین دل خود را در فیلم (پستی دو بار زنگ میزند) در نقش دادستان ایفا کرده است . حالا ۵۲ سال از سنش میگذرد و در شهر (پرت لند) دیده بدنیا گشوده و قبل از ورود به عالم سینما در نمایشهای (حیوان نر) و (جاده تنباکو) رلهای مهم ایفا کرده است .

**جودیت آندرسن** - فعلاً میتوانید او را در نقش (هرودیاس) در فیلم (سالومه) به بینید. زنی است که کسی درست از سن حقیقی او اطلاعی ندارد و حدس زده میشود که از دیک پنجاه سال داشته باشد . آنطور که خودش میگوید ، محل تولدش در اترالیا بوده و در هفده سالگی بآمریکا مهاجرت کرده است . در فیلمهای صامت گاهی رلهای کوچک ایفا میکرد و وضعیت آقادر ثابت ماند تا در فیلم معروف «دربکا» دل مادام «دانورس» را بازی نمود و همین دل وضع او را محکم کرد . در زندگی خانوادگی زنی آرام است و بامردی بنام «لوتر گرین» ازدواج کرده است . **دانا آندروز** - در سال ۱۹۱۱ در یک خانواده مذهبی متولد شد و در اوان کار تصور میشد که به کلیسا پناه ببرد ولی در جوانی خود را شایق رشته هنر پیشگی دید و باینکار گروید . بهترین دلی که تاکنون بازی کرده در فیلم «بهترین سالهای زندگی ما» بود که نقش خلبانی را ایفا مینمود . فیلم «لورا» باعث شهرت و معروفیتش شد و اخیراً در فیلمهای مهمی چون «دو دل در جنگل» ، «گذرگاه فیلمها» و «ذن غربیه در شهر» با ستارگانی چون جین کرین ، الیزابت تیلور و گریر گارسن همبازی بوده است . در سال ۱۹۳۹ با دوشیزه «مری تود» ازدواج کرده و حالا چهار فرزند از او دارد .



# اولین کلاس رشته‌های مختلف فیلمبرداری در خاور میانه یا شعبه دانشگاه «سیراکیوز» در ایران مدرسه‌ای که برای نخستین بار در ایران فنون مختلف فیلمبرداری

## رابه شاگردان ایرانی یاد میدهد

بسام «مناظر ایران» از اهالی و اداسی مختلف ایران و آداب و رسوم آنها از جمله فیلمهای خوب تهیه شده این هیئت بود. بدنبال تهیه این فیلمها و فعالیت‌های دیگری در مورد استفاده از وسائل (آدیو و ویزوآل) یا (سمعی و بصری) دیگر از جمله (فیلم استریپ) که یکنوع فیلم غیر متحرک است و اثر آموزشی و تعلیماتی آن در بعضی موارد حتی از فیلم متحرک هم بیشتر است (بازر نظر گرفتن خرج کمتر آن) همچنین روش تقسیم و توزیع فیلمهای تعلیم و تربیتی و فیلمهای شبیه و نزدیک با صورت گرفت و تا بهار سال ۱۹۵۳ مستداری فیلم و فیلم استریپ ساخته و مراکزی برای تعلیمات استفاده از وسایل سمعی و بصری در استانهای مختلف کشور بوجود آمد.

ولی چون قرارداد هیئت‌های اهرامی دانشگاه سیراکیوز با دولت آمریکا در شرف اتمام بود و از طرف دیگر لزوم ادامه این حمایت در ایران کاملاً مشهود بنظر می‌رسید این فکر بیش‌آمد که طرفی بوجود آید تا هدای متخصی ایرانی در امور فیلمبرداری تربیت و تعلیم بگیرند که بعدها این حمایت را ادامه دهند.

بنا بر این پس از مذاکراتی که در این زمینه بین اصل چهار وزارت فرهنگ صورت گرفت در نوامبر ۱۹۵۳ طرحی باامضاء رسید که این ایده به مرحله عمل درآمد

فیلمبرداری که از دو سال پیش تشکیل و مشغول کار شده و در نوع خود بین ممالک خاور میانه بی نظیر است، انعکاس چندانی در مطبوعات هنری و فرهنگی کشور نداشته و حتی کمتر افرادی از هنر دوستان به نقش اساسی این سازمان در فرهنگ و هنر آتیه کشور واقف هستند. نگارنده که خود دانشجوی این کلاس هستم در این شماره رپورتاژ مختصری درباره آن تهیه کرده‌ام و امیدوارم بعدها فرصتی پیش آید و نقش این مؤسسه هنری و فرهنگی و اهمیت آن آتی ۱- را مفصلاً مورد بحث قرار دهم.

## فکر ایجاد کلاس فیلمبرداری

### چگونه بوجود آمد

در سال ۱۹۵۱ يك فیلمبردار و يك مشاور امور تعلیم و تربیتی از طرف دولت آمریکا بایران وارد شدند که برای مؤسسات آمریکائی در ایران کارهای انجام دهند.

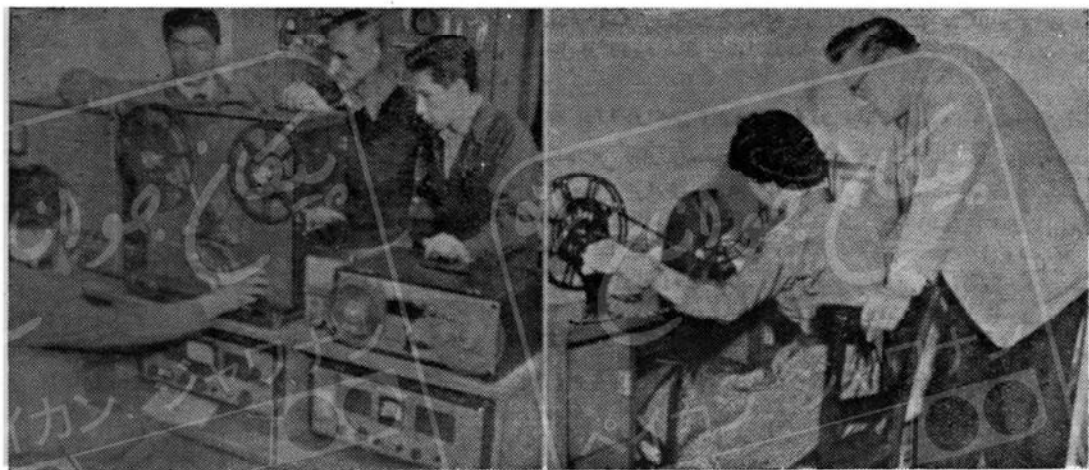
چندی بعد بدنبال این نفر دو هیئت کامل سینمایی از طرف دانشگاه «سیراکیوز» آمریکا که دانشگاهی است مخصوص تهیه و تولید فیلم و همچنین تربیت و تعلیم متخصمین فیلمهای «دوکوما تر» و تعلیم و تربیتی، بایران آمدند و شروع به تهیه این قبیل فیلمها در ایران نمودند که يك سری فیلم

## ش - ناظران

اهمیت و ارزش کاری که قریب بدو سال پیش در اداره هنرهای زیبا شروع شده و ادامه خواهد داشت شاید برای خیلی‌ها پوشیده مانده باشد و کمتر کسی بداند که در کرمانگرم تحولاتی که از طرفی در فرهنگ و تعلیم و تربیت کشور ما و از طرف دیگر در ایجاد مبانی هنر سینما بر پایه‌های صحیحی رخ میدهد، سازمانی مخصوص تهیه فیلمهای تعلیم و تربیتی و دو کو مانتر و تعلیم شده‌ای متخصمین در رشته‌های مختلف هنر سینما تشکیل شده است که در آینده فرهنگ و هنر سینمای ایران تأثیرات بسیاری خواهد داشت.

امروز در جراید و مطبوعات کشور ما بحث‌های مختلف و پرشوری درباره نحوه تعلیم و تربیت مدرن میشود همچنین علاقمندی مردم به هنر سینما و اثراتی که این هنر بزرگ و در عین حال مدرن دارد روز بروز افزون‌تر میشود و همه می‌خواهند در محیط و در کشور خودمان ایران هم این هنر بر پایه‌های صحیح و استواری قرار گیرد و آثار برجسته‌ای در این مورد بوجود آید.

با این همه جای بسی تأسف است که يك سازمان فرهنگی و هنری در رشته



دانشجویان زیر نظر معلمین خودرموز «مونتاز» رافرا میگیرند - دانشجویان هنگام کار بادستگاههای ضبط صدا

و مقدمات تشکیل کلاس فیلمبرداری فراهم شد. موازی با این اقدام و پس از آن عملیات دیگر مربوط به فیلمبرداری و استفاده از وسایل (آدوبویژوال) بعمل آمد که چون از بحث این مقاله خارج است از آنها واهیتی که هر کدامشان در آموزش و پرورش مدرن دارند می گذریم و فقط به جریان کار کلاس فیلمبرداری می پردازیم.

### تشکیل کلاس فیلمبرداری

در آذرماه ۱۳۳۲ باین ترتیب کلاس فیلمبرداری بوجود آمد.

برای افتتاح و تشکیل این کلاس اعلان کوچکی پیش نشده بود ولی همین اعلان کوچک بیش از ۵۰۰ نفر را برای نام نویسی در آن جلب نمود و همگی این عده در کنکور کتبی کلاس شرکت کردند این کنکور در حد خود بسیار جالب بود و غیر از (تستهای) در مورد هوش و معلومات، مطالب دیگری را بسبب امتحانات آمریکایی حاوی بود که برای شرکت تمام شرکت کنندگان کاملاً تازه کی داشت. از قبول شدگان این کنکور بدآیک امتحان شفاهی دیگر بعمل آمد و بالاخره ۶۰ نفر که در درجه اول قرار داشتند انتخاب شدند و دوره اول کلاس با این عده شروع بکار کرد.

این دوره یکسال ادامه یافت در ضمن این یکسال بعضی ها بواسطه عدم علاقه کامل یا گرفتاریهایی که از خارج داشتند و با دروس سخت و مشکل این کلاس بهیچ وجه متناسب نبود (دوره اول کلاس ۶ روز در هفته و صبح و عصر مرتباً تشکیل میشد) یا اهل دیگر، از برنامه کلاس حذف شدند و در پایان سال بیش از ۴۸ نفر موفق

باخذ گواهینامه از دانشگاه سیراکیوز نشدند.

چون در اواخر دوره اول، با همه فشردگی که در تدریس دروس بکار رفته بود، احساس میشد که آمادگی کامل برای دانشجویان از لحاظ ایجاد متخصصین تهیه فیلم بوجود نیامده است بنابراین طرحی که با مشای وزارت آهنگ و مقامات دانشگاه (سیراکیوز) رسید؛ یکسال دیگر بدوره کلاس افزوده شد و این دوره با همان دانشجویان اول (غیر از عده ای که بنا سبباتی در این دوره شرکت نکردند) تشکیل شد. در دوره دوم مجموع عده دانشجویان در قسمت فیلم سینما ۲۴ نفر هستند که در رشته های مختلف کارگردانی و نویسندگی و (مونتاژ) و فیلمبرداری و ضبط صدا و لابراتوار و هفت نفر هم در قسمت (فیلم استریپ) کور تکمیلی کلاس رامی بینند لازم بتذکر نیست که فعلاً کسی بعنوان دانشجوی جدید در کلاس پذیرفته نمی شود و کویسا متأسفانه بعد از ختم دوره دوم هم دانشجوی جدیدی پذیرفته نخواهد شد.

دوره دوم در آبان ماه امسال به پایان خواهد رسید و البته گواهینامه های مخصوص دیگری به دانشجویان از طرف دانشگاه سیراکیوز داده خواهد شد.

غیر از چند نفر که با موافقت هیئت استادان و رؤسای مربوطه بطور آزاد در این دوره هم مشغول تحصیل هستند، بقیه در دوره جدید به استخدام سازمان مشترک سیمی و بصری درآمده و عضو اداره هنرهای زیبا میباشند.

**مختصری درباره دروس کلاس**  
در دوره اول کلاس بعد از طی دوران آشنایی با فیلم و فیلم برداری و سخنرانی و نمایش فیلمهای مختلف درباره اهمیت

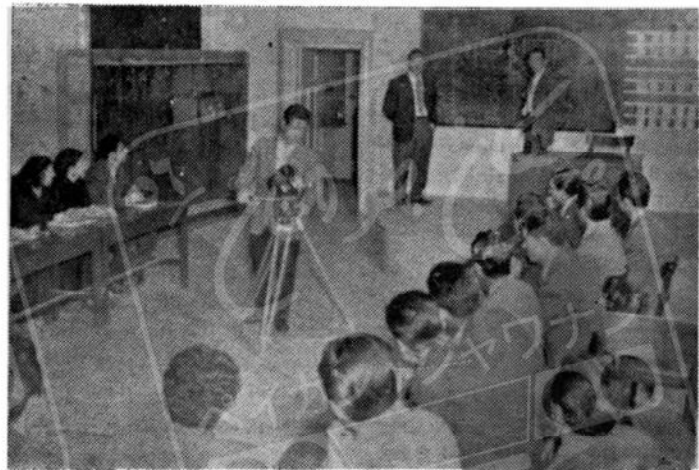
هنر سینما که قریب دو هفته طول کشید مدت دو ماه تدریس علمی و عملی اصول عکاسی و فیلمبرداری و رشته های مختلف آن بطور عمومی و کلی بعمل آمد. پس از طی این دو ماه قسمت فیلم استریپ جدا شده و در محل دیگری از ساختمان اداره هنرهای زیبا بتحصیل در رشته تخصصی خود پرداخت. ولی قسمت فیلم برداری بکار خود ادامه داد و تدریس دروس علمی و عملی بازم بطور کلی ادامه یافت و تمام رشته های کونساگون فیلمبرداری هم از کارگردانی و نویسندگی، مونتاژ صدا و لابراتوار و غیره مورد مطالعه قرار گرفت. تا اینکه پس از طی متجاوز از یکماه دیگر رشته رشته شروع بتقسیم دانشجویان در رشته های مختلف شد و هر کسی مطابق ذوق و علاقه در عین حال سابقه ای که در يك رشته بخصوص از سینما داشت جزو گروهی معین قرار گرفته و از کار و اصول آن رشته بخصوص اطلاعات بیشتری کسب نمود. از این به بعد ساختن یک سری فیلم های آزمایشی و پراتیکی شروع شد و دسته های مختلف با همکاری یکدیگر به تهیه محصول پرداختند.

این کار تا آخر دوره ادامه یافت و در ضمن آموزشیک هر دانشجو در رشته مخصوص خود میبایست، فیلم هایی نیز ساخته میشد که اغلب آنها برای پراتیک و چند تا از آنها هم از سفارشات بود که از قسمتها و مراکز مختلف رسیده بود و در اصطلاح سینمایی نام «محصول» را میگیرد.

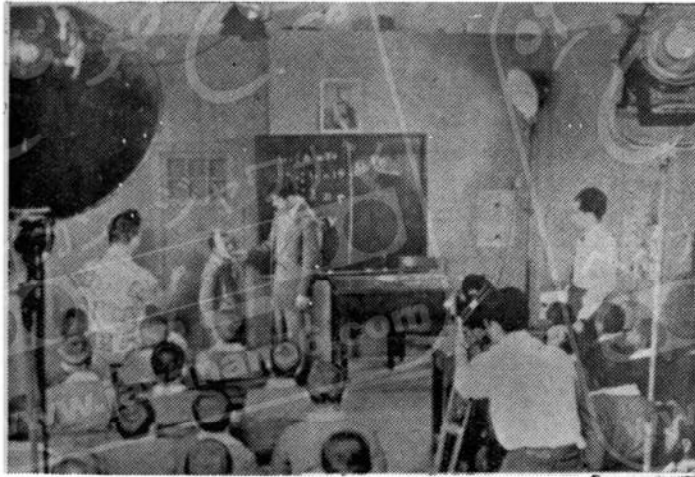
غیر از کلاسهای عمومی هر رشته، کلاسهای عمومی برای بحث درباره مواضع مختلف فیلم و مباحثی که بجهانی مربوط به هنر سینما میشود از جمله روان شناسی با نمایش فیلمهای مخصوص آن ادامه داشت.

در عین حال فیلمهایی که بوسیله خود دانشجویان ساخته شده و ساخته میشد مورد بحث و انتقاد قرار گرفته و حتی بر سر آنها مباحثات پر جنجال در میگرفت بعد از اتمام دوره اول یکی دو نفر از معلمین که دوره خدمت آنها در ایران تمام شده بود، ایران را ترک گفتند در عوض معلمین تازه که باوضع دوره دوم بیشتر متناسب بودند جای آنها را گرفتند برنامه دوره دوم ادامه همان برنامه دوره اول است و ترم های مابین و مخصوصی برای هر رشته قرار داده شده که بعضی از آنها جنبه اختصاصی دارد و بعضی جنبه کلی و عمومی.

در عین حال فیلمهای مختلف هنری و علمی و «اجو کیشنال» (تسلیم و تریبی)



دانشجویان در کلاس، تئوری و عمل را تماماً یاد میگیرند



### در يك محیط كوچك دكور مدرسه‌ای ساخته شده و دانشجویان دروسی را كه خوانده‌اند بموقع اجرا در می‌آورند

تا بحال در رشته‌های مختلف تدریس علمی و عملی نموده‌اند ذکر میشود: در رشته کارگردانی و نویسندگی مک کارن - جان هاس مفری - فرانک فرگوسن - جیم امپندوس - مک کوی .

در رشته فیلمبرداری: باب گو برخت جوزف بادی - در رشته ضبط صدا: کنیدی - برگرمن در رشته مونتاز - رابرت مور .  
●●● بقدمه ماجناچه وزارت فرهنگ با اداره اصل چهار درباره ادامه کسار این مدرسه که در ایران منحصر بفرد است ، قراردادی منعقد میکرد بسیار بجا و مناسب بود و لاقلاً در ایران نیز يك مدرسه مخصوص سینما بوجود می‌آید و شاگردان فارغ التحصیل آن می‌توانستند بوضع آشفته و خراب فنی استودیو هاسروسامانی بدهند.

ایرانی که تا کنون فیلم‌هایی بی‌بازار فرستاده و یا خواهند فرستاد . يك استودیویوسی هم سال پیش تأسیس شد بنام (جام جم ) که فیلم تهیه تمامی باسم (سرنوشت دورا میکوبد) تهیه کرد اما در اواسط کار منحل شد . استودیوی (سانترال) که گفته میشود مجهزترین استودیوی خاور میانه است بواسطه نداشتن متخصص فنی و کارآزموده تا کنون فیلمی تهیه نکرده و گویا وسایل این استودیو بچند تهیه کننده مستقل کرایه داده شده است .

در حال حاضر دیگر کسی حاضر نیست استودیوی جدیدی تأسیس کند زیرا علاوه بر مخارج گزاف تهیه فیلم و عوارض کمز شکن، بخوبی ثابت شده کسانی که در اینکار تجربه و اطلاع و سودی ندادند، نمیتوانند فیلم خوب تهیه کنند و نتیجه آن جز شکست و قرض آبروریزی چیز دیگری نخواهد بود.

۶ - نمایشگاه کشاورزی مشهد (داکومنتری رپورت )  
اغلب این فیلمها مراحل آخری خود را می‌پساید و چون هنوز لابراتوار مدرن و مجهز سازمان که چندی پیش سفارش آن داده شده بود بایران نرسیده تا اندازه فعالیت برای فیلمبرداری جدید کم است سال گذشته عملیات لابراتواری مطابق قراردادی که منعقد شده بود در لابراتوار ارتش انجام میگرفت و اینک هم طبق قراردی که با استودیو سانترال گذاشته شده موقتاً فیلمهای سازمان در آنجا ظاهر و چاپ میشود .

استادان کلاس  
استادان کلاس تماماً امریکائی هستند و در زیر نام عده‌ای از آنها که از دوره اول

### يك نظر کلی

(بقیه از صفحه ۶)

#### زهره فیلم

مذتهاست که استودیوی (زهره فیلم) اولین محصول خود را بنام (بنجمین ازدواج) باشتراك وحدت و جلیلود تهیه کرده و حالا در پی سینمایی است که حاضر شود آنرا نمایش دهد .

#### آسیا فیلم

اولین محصول این استودیو (ناکام) باشتراك آرزین بود که بعقل نامعلومی تهیه کاره ماند . دومین فیلم استودیوی آسیا ، (جادو) نامدارد که رنگی است و با شرکت بيك خان و شهین تهیه شده است .

●●●

این بود خلاصه‌ای از وضع استودیوهای

که با دروس مختلف ارتباط دارند نمایش داده شده و در مورد آنها از لحاظ های کوناگون بحث میشود .

همچنین فیلمهایی که بوسیله خود دانشجویان ساخته میشود مورد بحث و انتقاد قرار میگیرد .

دوره دوم نسبت به دوره اول قاعدتاً رجحان بسیاری دارد و چون از لحاظ مکانیک فیلمبرداری در دوره اول بطور کامل و کافی تدریس شده است و در این دوره جنبه‌های هنری و روانی سینما بحث و مطالعه میشود . تا دو ماه پیش هر روز ۳ ساعت کلاسهای در رشته‌های کارگردانی نویسندگی و مونتاز وجود داشت و در این کلاسها از طرفی آخرین اطلاعات مربوط به پیشرفت های هنر سینما مطرح و از طرف دیگر اصول اساسی رشته های مذکور و اثرات روانی آنها تدریس میشد و از دو ماه پیش تا کنون يك دوره کلاس بوسیله یکی از معلمین جدید که چند ماهی نیست از آمریکا بایران آمده است تدریس میشود . این شخص مستر «مک کوی» میباشد که یکی از کارگردانان معروف فیلمهای تعلیم و تربیتی و «دوکومانتر» آمریکا می باشد و با همکاری مستر «امپندوس» که از دوره دوم سمت ریاست تدریس را بعهده داشته و خود او نیز سوابق بسیاری در کارگردانی تئاتر و نمایش رادیویی و فیلمهای دو کومانتر در آمریکا داشته و دارای مطالعات عمیقی در رشته کارگردانی و هنر سینما میباشد، این کلاسها را اداره می کند .

### نظری به فیلمهای ساخته شده کلاس

غیر از فیلمهای پراتیکی و آزمایشی این فیلمها تا کنون برای سفارش دهندگان ساخته شده است:

۱ - يك سری فیلم درباره فیلم چیست (تهیه محصول - لابراتوار - مونتاز ضبط صدا)

۲ - سیل خوزستان (داکومنتری رپورت)

۳ - دو فیلم در مورد عملیات شیر و خورشید سرخ ایران .

اردوی بابل سر - اندرزگاه (داکومنتری رپورت)

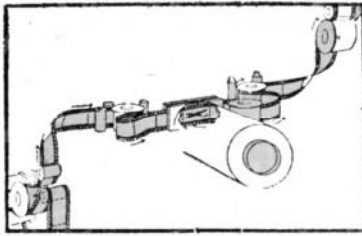
و این فیلمها هم در حال اتمام است:

۱ - طرق تقسیم و توزیع فیلم .  
۲ - سرشماری کاشان (خبری) .  
۳ - چگونه بچه‌ها می‌آموزند «اجو کیشنال»

۴ - غفلت مادر (تربیتی)

۵ - ابن سینا (خبری)

## طریقه جدید فیلم «ویستاویژن» انقلاب بزرگی در عالم سینما ایجاد کرده است



در دستگاه نمایش جدید فیلم «ویستاویژن» نوار فیلم بطور افقی

از جلوی عدسی عبور میکند

میشود تا موقعی که فیلم روی پرده میافتد، احساس عمق در تماشاچی ایجاد شود. در طریقه سینما سکوپ پرده دارای انحنای زیادی است و احساس عمق بوسیله انحنای پرده بوجود میآید در صورتی «ویستاویژن» برخلاف آن، احساس عمق را بصورت مصنوعی ایجاد می کند. منتها پرده آن از فلز مخصوصی ساخته شده که بفیلم شفافیت خاصی میدهد و برعکس سینما سکوپ، کادرهای فیلم هم مثل وسط آن روشن و واضح است. طبق آزمایشات دقیق ثابت شده که این نوع احساس عمق بهتر از سینما سکوپ است و تماشاچی در هر کجای سالن نشسته باشد فیلم را بخوبی میبیند و مثل سینما سکوپ حتما لازم نیست برای تماشای خوب وسط سالن بنشیند. چون پهنای فیلم زیاد است می توان آنرا روی بزرگترین پرده های دنیا نشان داد بدون اینکه از روشنی و وضوح آن کاسته شود. پروژکتور فیلم جدید «ویستاویژن» از لحاظ حجم باندازه پروژکتورهای معمولی است و بهمان اندازه جای گیرد. فیلم با سرعت ۱۸۰ فوت در دقیقه بطور افقی از دستگاه عبور کرده و ضبط صدا نیز بهمان نسبت صورت گرفته است (در فیلم های معمولی و سینما سکوپ سرعت عبور فیلم در پروژکتور ۹۰ فوت در دقیقه است).

نسبت عرض و طول پرده نمایش، يك به دو است و این نسبت را میتوان يك متر در ۱۸۵ متر تغییر داد تا تصاویر بهتر روی پرده منعکس شود. نکته مهم دیگر اینكه كادر فیلم بطور مستطیل است ولی در پروژکتور يك انحنای كم در بالا و يك انحنای بیشتر در پایین كادر فیلم را می پوشاند و همین مطلب سبب میشود كه تماشاچی فیلم «ویستاویژن» را برجسته خیال کند. در حال حاضر فقط يك فیلم بنام «ستاد نیروی هوایی» باشتراك جیمز استوارت و جون الیسون تهیه شده و منبند فیلمهای کبانی پارامونت با این طریقه افقی تهیه خواهد شد.

سالها قبل کبانی مترو کلدوی-ن مایر، فیلم «بیلی شرود» را با نواری که بجای ۳۵ میلی متر ۶۵ میلی متر پهناداشت تهیه کرده بود اما این فکر در همان موقع در چنین کشته شد و کسی ب فکر نیفتاد از این نوع فیلم پهن استفاده کند تا اینکه اخیراً طریقه جدیدی بنام «TODD-AO» اختراع شده که فیلمی به عرض ۶۵ میلی متر دارد. اما این فیلم ۶۵ میلی متری مثل فیلم معمولی ۳۵ میلی متری بطور عمودی روی نوار ضبط شده و بهمان طریق نمایش داده میشود حال آنکه در فیلم جدید «ویستاویژن» کادرهای فیلم مستقیماً بطور افقی روی نوار ضبط می شود و پهنای هر کادر تقریباً باندازه دو برابر کادرهای قدیم است برای نمایش این نوع فیلم، پروژکتور مخصوصی ساخته شده که فیلم بطور افقی از درون آن رد شده (مطابق شکل) و سرعت گردش فیلم در دستگاه دو برابر سابق است زیرا همانطور که گفته شد پهنای فیلم زیاد است و باید حرکات روی پرده طبیعی جلوه کند. پرده این نوع فیلم بقدری بزرگ است که در آمریکا فقط ۸ سینما قادر به نمایش آن هستند و پرده یکی در پاریس و یکی هم در لندن افتتاح خواهد شد. پرده صاف و مستطیل است ولی در قسمت فوقانی و تحتانی قسمتی از پرده بصورت انحنای کمی پوشیده

در شماره هفتم مجله ضمن بحث در باره تکنیک های جدید سینما، صحبت از طریقه جدیدی رفت که «ویستاویژن - Vista Vision» نامیده میشود. این طریقه جدید از لحاظ روشنی و وضوح فیلم روی پرده سینما ارزش فراوانی داشت مخصوصاً این که فیلم منفی را بطور افقی برداشته و سپس روی حلقه معمولی فیلم مثبت بطور عمودی چاپ می کردند. پرده ویستاویژن تقریباً یکنوع «واید اسکرین - Wide Screen» یا «پرده عریض» است و برخلاف سینما سکوپ دارای انحنای نیست. حس عمق در این طریقه بطور ضعیف در تماشاچی ایجاد میشد و چون پرده اش صاف و مستطیل بود، آنطور که باید و شاید تحولی برپا نکرد ولی کبانی پارامونت که با این طریقه کار میکند، از پس نشست و سر مهندس کبانی «لورن رایدن» شب و روز در آزمایشگاههای کبانی کار کرد تا بالاخره فکر جدیدی برایش دست داد.

وی پیش خود فکر کرد چرا نسخه اصلی منفی فیلم را که بطور افقی روی نوار فیلم ضبط شده بهمان طریق روی نوار مثبت چاپ نکند؟ در پی این ایده تالاه، کوشش های جدیدی بعمل آمد و برای اولین بار «فیلم افقی» از صورت ثوروی خارج شده و شکل عملی بخود گرفت.



این يك كادر از فیلم جدید افقی «ویستاویژن» است که قسمت بالا و پائین آن هنگام نمایش، بدین طریق پوشیده میشود

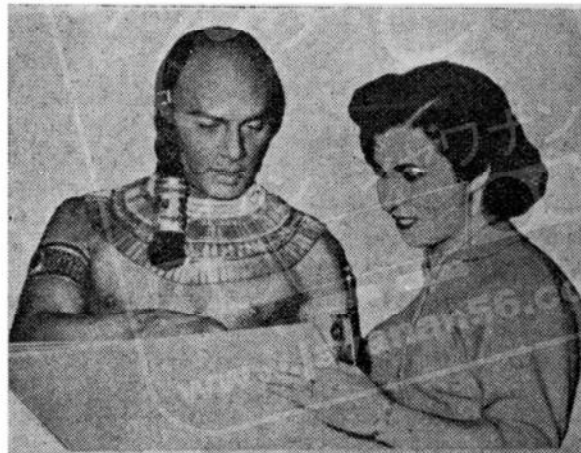
## انتقاد بر مطالب سینمایی مجلات تهران

این مورد تفسیر بیشتری را جایز نمیدانیم نویسنده در جای دیگر زیر حرف خود دزد و این بار نوشته که «سینما باید انکاس مصوری از روحیات و نفسانیات خاص مردم يك کشور باشد» در حالیکه در شماره قبل نوشته بود: (میدانیم سینما انکاس مصوری... الخ) این گفته های ضد و نقیض را بچه چیز می توان تعبیر نمود؟ نویسنده محترم در ستون دوم مقاله خود تذکر داده که باید پس از این به آثار سینمای ژاپن، مکزیک و مجارستان توجه بیشتری شود و البته مقصودشان ما بوده ایم یعنی ایشان این آثار را دیده اند و ما ندیده ایم و خیلی خوشحال میشیم اگر ایشان میفرمودند در کجا آثار (نه اثری) از سینمای مکزیک یا ژاپن یا مجارستان دیده و آنقدر دامنه مطالباتشان وسیع شده است که برای ما هم تجویز میکنند؟ در جای دیگر باز نویسنده در صحت لغات (سناریسم) و (مونتازیسیت) اسرار در زبید است و نوشته که لغت اول را در يك فرهنگ سینمایی دیده ولی نه از اسم آن فرهنگ خبری هست و نه از نشانی آن و معلوم نیست این (فرهنگ سینمایی) در کدام کشور و در چه سالی چاپ شده که فقط نویسنده محترم آنرا دیده اند. لازم بود اسم این فرهنگ سینمایی و محل چاپ و نشانی آن حتی ذکر میشد تا ما بساور میکردیم. در باره لغت (مونتازیسیت) این بار اظهار عقیده جالب تری شده یعنی نویسنده لغت (مونتاز Montage) را که يك لغت فرانسوی و از مصدر (سوار کردن - Monter) مشتق شده است به زبان انگلیسی نسبت داده و از آن ترکیب نادرست (مونتازیسیت) را بیرون کشیده است! مراجعه به استادان زبان انگلیسی و فرانسه میتواند راهنمای خوبی برای نویسنده «اِبرام کننده» باشد. در بعضی دیگر از قسمتهای مقاله نویسنده محترم بدون اینکه باصل موضوع توجه داشته و نسبت بآنها جواب بدهد نیش انتقاد خود را در باره مطالب کوچکتری ادش تری بکار برده و ناچار بجای دو ستون مجله که کافی بود، يك مقاله مستولسی نوشته و از همان اواسط مقاله چون میدانسته خوانندگانش از چوابهای ایشان خسته میشوند، لذا معذرت خواسته است. در پایان جواب به آقای نویسنده محترم باید یکبار دیگر تذکر داده شود که اهمیت ایشان آنقدر نبوده تا ما فقط و فقط در باره

(مقاله) بواسطه ضیق جا بوده است و اصولاً شخص نویسنده آنقدر در نظر ما اهمیت نداشته که «فی المثل يك استودیوی فیلم فارسی راجع بهایشان با مطالبی تحریر کرده باشد» لابد قانون مطبوعات ما را واجد شرایط دانسته که اجازه انتقاد و بحث و نطق در مطالب کوناگون هنری را با داده است و حالا آقای نویسنده بخود شك راه داده اند که شاید يك استودیوی فیلم فارسی آن مطالب را با تحریر کرده اند معمولاً وقتی جواب را بلند میکنند گریه دزده فرار میکنند و ما دیگر در باره

همانطور که حدس زده میشد، مجله امید ایران در شماره اخیر خود پاسخ مفصلي در رد انتقاد ما در باره مقالات سینمایی آن مجله درج کرده و نویسنده محترم پس از درج خوانی راجع بهایشانکه وی انتقاد بدون غرض شخصی را می پسندد، در چند جای مقاله چند عدد « بکار برده بود که مقصود مسخره کردن نویسنده مجله ما بوده است و برخلاف ادعای خود لحن هزل و بهتان در سرتا سر جواب ایشان بیجسم می خورد. قبل از هر چیز باید گفته شود که ایشان آنقدر مهم نبوده اند که «فقط» در باره مقالات ایشان در مجله امید ایران انتقاد بعمل آید و چنانچه انتقاد در آن شماره محدود به مجله امید ایران شده بود (طبق تذکر آخر

## این دوشیزه ایرانی در هالیوود طراحی و دوخت هزاران دست لباس فیلم «ده فرمان» را بعهده گرفته است



Persian-born Mahin Shahrivar checks Yul Brynner's costume — thousands of costumes in the film are her responsibility

شد) برای هزینه های ضروری فیلم اختصاص داده است. نمایش این فیلم سه ساعت و نیم طول می کشد و قسمتی از آن در مصر تهیه شده است. در هر صورت خود ما هم منتظر وصول خبرهای جدیدتری در باره این دوشیزه خیاط ایرانی در هالیوود هستیم زیرا مسلمانا هنروی آنقدر قابل استفاده بوده که مورد پسند دقیق ترین کارگردان امریکایی یعنی لاسل ب دومیل قرار گرفته است.

در هکس بالا «مهبین شهر یور» در معیت «یول براینر» هنرپیشه فیلم «ده فرمان» که دل فرعون مصر را بازی میکند، دیده می شود.

در آخرین شماره مجله «بیکچر گوئر» چاپ انگلستان که با پست هوایی برای ما رسیده است، این عکس چاپ شده و زیر آن نوشته شده است که «مهبین شهر یور» متولد ایران مسئول تهیه و دوخت هزاران دست لباسی است که برای فیلم «ده فرمان» بکار خواهد رفت.

ما هنوز درست نمیدانیم این خبر تا چه اندازه صحت دارد ولی باید بگوئیم که فیلم «ده فرمان» عظیم ترین فیلمی است که در تاریخ سینما برداشته میشود و «سپیل - دومیل» تهیه کننده و کارگردان آن مبلغ سرسام آور ۱۲ میلیون دلار (دو برابر مبلغی که خرج فیلم عظیم هوسهای امپراطور



مطالب مقالات ایشان یعنی بیان بکشیم بلکه این صفحه از شماره پیش باز شده و هدفش انتقادی است از مطالب شایع سینمایی مجلات و اینک بایدان را از کوش امیدایران بیرون کشیده و بسراغ اطلاعات

**هفتگی** میرویم .  
در شماره جمعه گذشته نویسنده مقالات سینمایی مجله اطلاعات هفتگی ( دینودو لورتیس ) را کارگردان ( برنج تلخ ) خوانده بود در صورتیکه همه کس میدانند ( دینودو لورتیس ) تهیه کننده فیلم بوده و کارگردان آن ( جیوسپ دوسانتیس ) بوده است .

حالا چند کلمه ای هم درباره آسیای جوان بشنوید .

مجله آسیای جوان در شماره ۲۵۱ خود مطالب حیرت انگیزی نگاشته که جا دارد مورد تفسیر قرار گیرد . در صفحه اول عکس بزرگی از ( دورتی داندريج ) ستاره فیلم ( کارمن جونز ) چاپ شده و پهلوئی عکس ادعا شده که این هنر پیشه ( دختر يك پینه دوز اصفهانی !! ) است بدبخت ( دورتی داندريج ) جدا ندر جدش از سیاه بوستان آفریقا بوده و اکنون هم او را بنام يك سیاه پوست می شناسند و معلوم نیست چگونه بایدك پینه دوز اصفهانی نسبت پیدا کرده است !!

هلت علام نمایش فیلم ( کارمن جونز ) در فرانسه نیز اعتراض موسیقیدانهای هالیوود نسبت به بی ادبشی موسیقی فیلم از لحاظ هنری نبوده است بلکه در این فیلم موزیک اپرای ( کارمن ) اثر ( بیزه ) بطرز مدنی مورد استفاده قرار گرفته و همان اپرای معروف ( کارمن ) بصورت جدیدی روی پرده آمده و بهین بسب فرانسویان که نسبت به هنرمندان خود متمصب هستند اعتراض کردند که در این فیلم ارزش موزیک ( بیزه ) پایین آورده شده و با توهمین گردیده است . اعطای لقب ( رقیه ) به ( دورتی داندريج ) نیز یکی از آن دروغ هایست که باید شنید و خندید .

مطالب « سینمایی » این شماره در همین صفحه ختم نمیشود و مترجم یا مترجمین مجله آسیای جوان لابد فکر کرده اند که حیف است مردم از « اطلاعات وسیع » آنها در باره سینما استفاده نکنند لذا در صفحه ۱۲ همین شماره چند سطرى راجع به « سینه رامان » قلمفرسائی کرده اند . نویسنده نوشته که « پس » از اختراع « سینما اسکوب !! » سینه رامان اختراع شده . اولاً همه میدانند که این کلمه « سینما اسکوب » نیست و « سینما اسکوب » است و ثانیاً اینکه سینما اسکوب پس از اختراع « سینه رامان » و فیلمهای « D-3 » یاد سه

بعدی « بوجوه آمد . در چند سطر پائین تر نوشته شده که « اولاً پرده آن يك پنجم پرده های معمولی است و ثانیاً چهار دستگاہ آبارات دارد » خوب ، جان من اگر پرده آن « يك پنجم » پرده های معمولی است یعنی بزرگی پنجمه يك اطاق ، چه مرضی داشته اند که برای این پرده کوچک « چهار دستگاہ » آبارات بکار ببرند ؟ در مجله ما بارها نوشته شده و متذکر گردیده ایم که پرده « سینه رامان » « شش » برابر پرده های معمولی است و « سه » دستگاہ آبارات دارد و هنوز هیچ نوع فیلمی اختراع نشده که احتیاج به چهار دستگاہ آبارات داشته باشد . لابد تصور کردید که « اظهار فضل » بهین جا خاتمه می پذیرد ولی چقدر تعجب می کنید اگر بدانید در صفحه ۲۲ همین شماره نسبت های دروغ و ناروایی به « کریس کلی » بنوا داده اند . مثلاً نوشته شده که « وقتی چشم آلفرد هیچکاک بیکی از عکس های کریس کلی افتاد فوراً قرار دادی با او امضا کرد و این دختر دلغریب را که تا آن روز زنك هالیوود در اندیده بود ... » مثل اینکه آقای نویسنده معترم فراموش کرده و یانی دانسته اند که « کریس کلی » پیش از و برو شدن با آلفرد هیچکاک لااقل سه فیلم بازی کرده است که عبارتند از « چهارده ساعت » ، « وسط ظهر » و

« دو کامیو » و قبلاً نیز در هالیوود بوده است چند سطر پائین تر نویسنده اینطور اظهار فضل کرده است که کریس کلی در فیلم « پلی بر فراز تو » با « بیل هولدن » و « بینک کروسبی » و در فیلم « دختر دهانی » با « استوارت گرانجر » همبازی بوده است . برای مزید اطلاع ایشان تذکر داده میشود که فیلم اول « پلی بر فراز - تو کوری » نام دارد و همبازیهای کریس کلی ، « ویلیام هولدن » و « فردریک مارچ » بوده اند نه « بینک کروسبی » و در فیلم دوم یعنی « دختر دهانی » ویلیام هولدن و بینک کرازی بل مقابل او را بازی می کرده اند نه استوارت گرانجر بلکه این هنر پیشه اخیر در فیلم « آتش سبز » همبازی او بوده است .

### شرافت!

خطیبی - خواهش دارم ده هزار ریال بمن برای تهیه فیلم قرض بدهید مطمئن باشید بعد از بازده روز (!) که فیلم تمام شد بشما پس خواهم داد و اینرا بدانید که مرد شرافتمندی بشما این قول را میدهد .  
سرمایه دار - بسیار خوب ، شما آن مرد شرافتمند را بیارید البته پول را خواهم داد !

### « ماریا فراو » در دو شکل متفاوت



در این دو کلیشه دو ژست مختلف از « ماریا فراو » ستاره فیلم « سلطاناصیه » و ایضا کتنده دل اول فیلم جدید آلمانی « ستاره ربو » نهفته شده که تماشای آن باعث تعجب همه خواهد شد . در فیلم تاشاچیان « ماریا فراو » را بدین شکل ( عکس سمت چپ ) پشت پاراوان می بینند اما کسانی که مشغول تهیه فیلم بودند منظره فشنکتری تاشا می کردند که همین عکس سمت راست است و حالا ما برای شما هر دو منظره را یکجا جمع کرده ایم که هم جای تاشاچی باشید و هم تهیه کننده !

# تحولی که سینما در زیبایی‌شناسی بوجود آورده است

## روزگاری این مهر و یان چاق و چله محبوب دمیلیویو نفر مردم زیبا پسند بودند

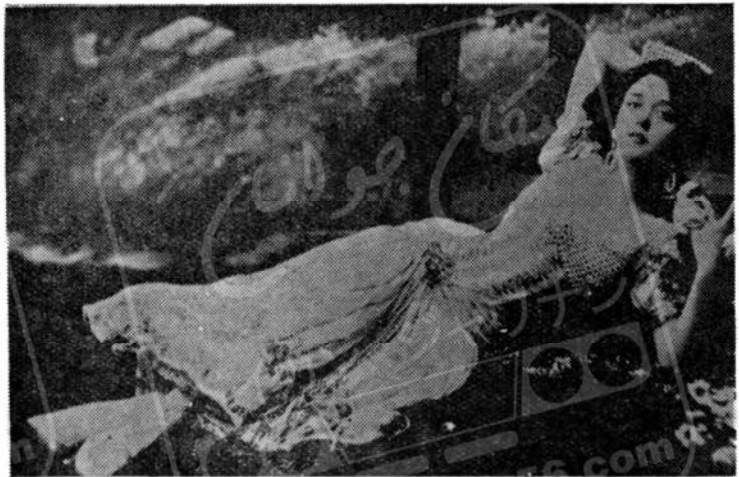
## ولی امروز بر خلاف سابق ستارگانی مورد پسند هستند که شبیه

ریتامورانو - لیلی سن سیر - نجله آتس و هرلین موزرو باشند

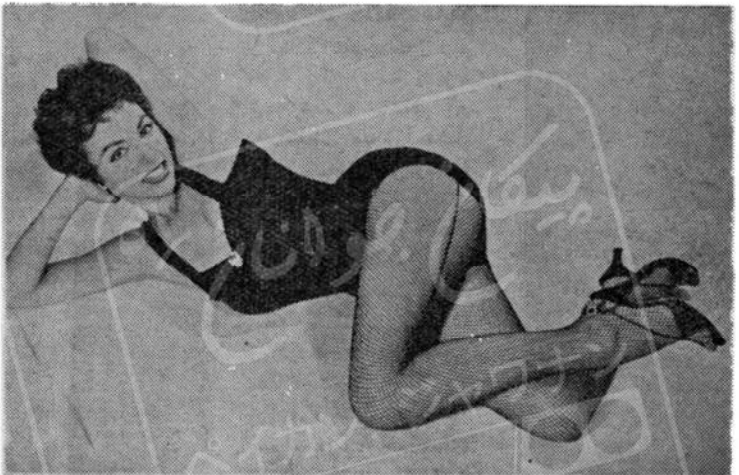
که سینما میرفتند عوض شد. هر لحظه جریانات مراکز سینمایی میلیونها نفر را که در سرتاسر جهان علاقمند به سینما بودند متوجه خود کرده و پسران و دختران کوشش می کردند (و میکنند) که از هنر پیشگان محبوب خود تقلید نمایند.

سینما از موقعی که با هر حله رشد و نمو گذاشت و فیلمهای سینما هر روز و هر شب روبه زونی رفت، تحول شدید و عجیبی در تمام مراحل زندگی بشر نمودار گردید. مدهای جدید بوجود آمد، طرز رفتار و حرکات و حتی نحوه تفکر مردمی

تحول ناشی از پیشرفت سریع سینما و نفوذ آن در جامعه با اینجا خاتمه پیدا نمیکند بلکه اثر شدید و قاطع آن در «زیبایی پرستی» و یا با اصطلاح «استتیک» چشم میخورد. سالیان پیش هنگامی که سینما هنوز بیابیه امروزی نرسیده بود، پدران ما وقتی بسینما میرفتند طالب زنان مه پیکری بودند که دارای اندام چاق و گوشت آلود بوده و در عین حال طبعی سلیم و نگاههایی ملایم و شرافتمندانه داشته باشند و هرگز تحمل این را نداشتند که زنی لاغر اندام و استخوانی را روی پرده سینما یا صحنه تئاتر ببینند. تماشای این منظره لرزه بر اندام آنها می انداخت. (تداپارا)، (تکراس کوئینان)، (می دوسوزا) (روت اسنایدر)، (مارگریت دارماند) و (سوزان آندره) از ستارگانی بودند که در (موزیک هال) ها و سپس در تماشخانه ها و بالاخره روی پرده سینما پدران و پدر بزرگ های ما را مشغول داشته و باعث تفریح آنها میشدند ولی اگر امروزه شما نظری بهیکل و قد و قواره آنها که در عکسها و فیلمهای سینما ضبط شده است، بیاندازید خواهید دید که چگونه اینها دارای بدنی چاق و گوشت آلود بوده و زیبایی صورتی آنها نیز شبیه هر وسکهای خیره شب بازی بوده است. برخلاف سابق که (ماتا هاری) جاسوسه زیبای آلمانی می توانست با رقص شکم خود سران دول متفق را واه و شهیدا نموده و اسرار جنگی را بر باری امروزه نمیتوان با این کارها مردم را گول زد بلکه باید دارای بدنی زیبا و چهره ای دلربا و در عین حال لاغر بود که تماشای امروزی رغبت تماشای آنها در خود ببیند قسمت زیادی از موفقیت سامیه جمال و (نجله آتس) رقصه ترک زبان مقیم امریکا مرهون همین توجه به لاغر نگاه داشتن بدن است. (نجله آتس) در فیلم (ریچارد شیردل و صلیبیون) محصول کمپانی برادران وادرن رقص شرقی هیجان انگیزی انجام میدهد و شاید نتوانسته باشد که هنر پیشگان اصلی را تحت الشعاع قرار دهد (لیلی سن سیر) نیز از ستارگانی است که در امریکا، مخصوصاً در کاباره ها و کلوبهای شبانه شهرت فراوان و بی نظیری دارد و اخیراً نیز در فیلم (پرسند باد بهری) نقش همدمه ای بهمه او واگذار شده و رقص های جالب او تماشاچیان را مسحور کرده است ولی از آن جالب تر تماشای بدن دلنریب و هیکل زیبای او است که از لحاظ زیبایی شناسی کمترین نقصی نمی توان در آن یافت. (لیلی سن سیر) با همین هیکل نظر کلیه زیبا پرستان را جلب کرده و کسانی که در مجسمه سازی و (استتیک) تبهر و سابقه دارند او را (و نوس قرن بیستم) معرفی میکنند در صورتی که اگر فی المثل پدران ما شبی او را روی صحنه تماشخانه یا کاباره میدیدند غوغا بر ارمی انداختند و بول خود را پس می گرفتند.



«می دوسوزا» در دوران خود از زیباترین ستارگان بشمار میرفت



ولی حالا دیگر دختری را می پسندند که شبیه «ریتامورانو» باشد

صفحه

۱۹

صفحة

٢

صفحة

٢١

صفحة

٢٢

## دانستن این نکات خالی

از تفریح نیست.



•• (هاردی) که باحاط شکم کنده و بیقوامه اش در فیلمها مشهور شده و در ظاهر چنین می نماید که باید مرد پر خور و شکم پرستی باشد، برعکس بقدری کم غذا و بی اشتهاست که مدتی از سال را رژیم میگیرد! •• از هر ده هنرپیشه امریکائی یکی خیال می کند که مبتلا برض سرطان است دو نفر در هفته سه روز استراحت میکنند و بقیه نیز خود را بزرگترین و هنرمندترین هنرپیشگان دلبا می دانند!



•• علاقه (چارلز کوبورن) به سیگارهای برکی زبانزد خاص و عام است و معمولاً هنرپیشگان جوان که می خواهند شغلی در استودیوها بدست آورند فوراً سیگارهای گرانقیمت و اعلای برای او تعارف میبرند و عجب اینجا است که اغلب بنتیجه هم میروند!

•• برخلاف تصور عمومی هالیوود یکی از شهرهایی است که طلاق در آن کمتر صورت میگیرد زیرا کسانی که مایل به طلاق دادن و طلاق گرفتن باشند میبایستی به شهر (نو) یا جزیره سن جورج واقع در نزدیکی خلیج فلوریدا بروند تا بتوانند به آسانی حکم طلاق را بدست آورند.



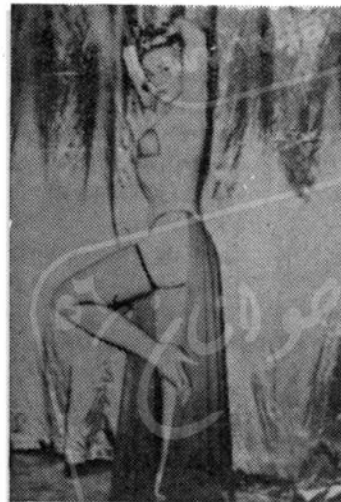
•• رقص (چارلستون) در دوران صامت نیلها مثل مرض مسری تمام امریکا را فرا گرفته و مردم شب و روز کا. شان رقصیدن بود و هنرپیشگان هالیوود بیش از همه در این باره اصرار میورزیدند مثلاً (هربرت مارشال) با اینکه یکپایش مصنوعی بود، توانسته بود در رقص تند چارلستون مهارتی کسب کند.



اما حالا فقط رقصهای کمر و «نجله آتس» رفاصه ترک زبان مقیم امریکا خواهان دارد

خود کنند حال آنکه امروزه اولی در کبانی فوکس و دومی در مترو کلدوین مایر از ستارگان خوش آتیه محسوب می شوند.

شهرت و اهمیت (مریلین مونرو) ، (مامی وان دوون) و (شری نورت) نیز بیشتر مدیون همین ظرافت اندام است و چنانچه فی الیثل یکی از آنها بدش کمی چاقتر از حد معمول بود، امروزه نمی توانست در صحنه سینما ابراز وجود کند.



و حالا باید هیکلی بزبانی هیکل «لیلی سن سیر» داشت که بتوان مورد توجه واقع شد



«ماتاهاری» جاسوسه زیبای جنگ جهانی اول با رقصهای خود شور و غوغائی در اروپا پیاساخت

در حال حاضر شاید کمتر زنی را بتوان یافت که از حیث ظرافت اندام و چهره به پای (ریتامورانو) برسد. (ریتامورانو) در فیلم (نسل بیچاره) دل کوچکی ایفای کرد و اتفاقاً آن فرانسیس (ستاره لاهر اندام) نیز در همان فیلم دل مهمی داشت. هیچکس باور نمیکرد که روزی این دو پاره استخوان بتوانند انظار را بخود متوجه نموده و دل عشاق سینه چاک را و له و شیدای

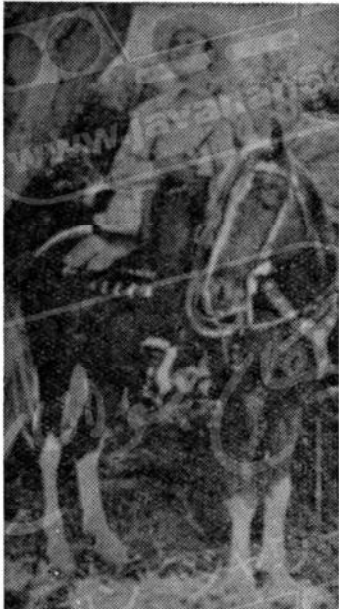


پدران ما «سوزان آندره» را بسبب جاذبه جنسی و هیکل زیبایش می پسندیدند ...

# مدرسه عجیبی که تمام شاگردان آن اسب هستند!

## در این مدرسه برای فیلمهای سینما اسب تربیت همیشه دود...

کلمه حرف بز نم با اشاره با سب مورد نظر میفهمانم که چه حرکتی باید بکند و در چه محلی باید بایستد تا عکس او در دوربین منعکس شود. دقت و مهارت اسبها در این مورد بعضی اوقات از هنر پیشگان معروف و کار کرده بیشتر است. اسبها این علامات را به خوبی درک می کنند ولی شش ماه تعلیم برای آنها لازم است. اسبها پس از مدتی کار کردن معمولاً گشته می شوند و احتیاج با استراحت پیدا می کنند. هود کینز هر سال برای جستجوی اسبهای تازه نفس و باهوش بیازارها و نمایشگاههای تربیت اسب می رود و چنانچه اسبی مورد پسندش قرار گیرد تا مبلغ پانصد دلار برای آن میبرد و از هیچکاه ضرر نمیکنند زیرا مثلاً از اسبی که (استار می) خوانده میشود تاکنون مبلغ یکصد هزار دلار استفاده برده است. بعضی از اسبها که سود سرشار نصیب او کرده اند بطور گمنام بسر میبرند مثلاً اسبی بنام (زین) وجود دارد که ۲۷ ساله است و از ۲۰ سال پیش تاکنون در فیلمها شرکت داشته و خود هود کینز آنرا (بزرگترین اسب جنگجو) لقب داده است



«جن اوتری» سوار بر...  
و باهوش «چامپیون»

معروف (حملة هنك سبك) با اشتراك اول- فلین ۶۰۰ رأس از اسبهای تربیت شده و تعلیم دیده مدرسه (هود کینز) شرکت داشتند و در حقیقت حملة هنك سبك بوسیله آنها صورت گرفت.

حلت وجود این مدرسه احتیاج سازندگان فیلمهای هالیوود با اسبهای تعلیم دیده می باشد و بعضی اوقات این اسبها از ستارگان مشهور بیشتر در آمد نصیب کیانی می کنند. (تریگر) بهترین شاگرد مدرسه (هود کینز) بود که فعلاً به روی راجرز تعلق داد و در فیلمهای متعدد این هنر پیشه محبوب امریکایی اسمش معادل نام هنر پیشه اول روی برده نوشته می شود. (چامپیون) اسب دیگری است که (جن اوتری) کلابوسی مشهور دیگر امریکایی بارها بوسیله آن دزدان و یاقیان را در دشتها و کوهستان های غربی امریکا دستگیر کرده است (البته در فیلمها). در اسب دیگر وجود دارند بنام (بانر) و (استاردست) که اغلب اوقات مورد استفاده راندلف اسکات و کاری کوپر قرار میگیرند.

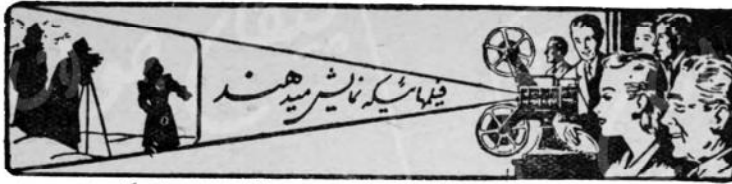
در مدرسه هود کینز همیشه ۴ اسب درجه اول و ۱۶۰ اسب سیاه سی لشکر مشغول تعلیم گرفتن هستند و این اسبها مثل شاگردان معمولی طبق فعالیت و ابراز هوش خود نمراتی دریافت می کنند و معدل این نمرات وضع آنها را از لحاظ شرکت دو فیلمها روشن مینماید. در اوایل سال ۱۹۲۰ برادران هود کینز که در مشرق امریکا صاحب مزرعه و احشام بودند بهالیوود کوچ کردند و در آنجا فهمیدند که تهیه کنندگان فیلم احتیاج شدیدی به اسبهای تربیت شده برای فیلمها دارند. یکروز داریل زانوک و جک واردن در باره این احتیاج مذاکراتی بعمل آوردند و شش ماه بعد در اوایل ۱۹۲۷ اولین کلاس تربیت اسب برای فیلمها تشکیل شد. یکی از اشکالات کار این کلاس تعلیم دادن اسبها برای ابراز احساسات سی نظیر عشق، خوشحالی، غم یا ترس بود زیرا در یک صحنه اسبی نباید با بوکشیدن قهرمان فیلم محبت خود را با او ابراز دارد و در صحنه دیگر با گاز گرفتن رازن فیلم، تماشایی باید بتنفر او پی ببرد. هود کینز میگوید (ما اسبها را با علامات مخصوصی آشنا می کنیم و در این تعلیم دست دل مهمی بعهده دارد. هنگام تهیه يك صحنه من کنار دوربین فیلمبرداری می ایستم و بدون اینکه يك

در دره (سان فرناندو) ی کالیفرنیا، نزدیک هالیوود، مدرسه بی نظیری وجود دارد که شاگردان آنرا اسبهای تربیت شده فیلمها تشکیل میدهند و دروس آنها شاید سخت تر از دروس هنر پیشگان استودیو ها باشد. بعضی اوقات فارغ التحصیلان این مدرسه بیش از يك ستاره معروف سینما حقوق میگیرند. یکی از آنها که (تریگر) نامیده شده و ملقب به (باهوش ترین اسب عالم سینما) است، هفته ای ۲۵۰ دلار یعنی ماهی هزار دلار حقوق دریافت می دارد که قسمتی از آن خرج خودش شده و بقیه بهیب صاحبش (روی راجرز) که معروفترین کابوی هالیوود است می رود. این مدرسه در سال ۱۹۲۷ توسطه برادر بنام (هود کینز) در شمال هالیوود تأسیس شده و تاکنون دوهزار اسب رنگ و وارنگ از آن فارغ التحصیل گردیده و در فیلمهای پر سادته که احتیاج با سب تربیت شده بوده است، رلهای مهم و حساسی را بازی کرده اند. هنر پیشگان معروف فیلمهای (وسترن) از قبیل (جانی مک براون)، (بوک جونز)، (کن مینارد)، (توم میکس) (راندلف اسکات)، (روی راجرز)، (جن اوتری)، (ادول فلین) و (کاری کوپر) از زمان فیلمهای صامت تاکنون در فیلمهای مختلف سواد بر این اسبها شده و قسمتی از شهرت و محبوبیت خود را مدیون این اسبها هستند. در یکی از صحنه های فیلم



«روی راجرز» قسمتی از شهرت خود را مدیون «تریگر» است





هوشنگ قدیمی

سالومه

از افسانه مذهبی مشهور «سالومه»

و قتل یحیی پیغمبر که حوادث آن همزمان با تولد مسیح می باشد تا کنون داستانهای مختلفی اقتباس گشته و نمایشنامه های متعددی بر اساس آن تنظیم شده است که از سه مهمتر اثر مشهوری از اسکاویلند است .

«سالومه» کارخانه کلبیاهم برداشتی از زبان افسانه مذهبی است با این تفاوت که در اینجا هدف اصلی نه فقط فیلم برداری از یک درام سنگین تاریخی بلکه بازی گرفتن ریتهایورت و استفاده از او برای جاب تماشایی بوده و در نتیجه «سالومه» هالوود یک خانم تمام عیار امریکایی از آب درآمده است !  
ریتهایورت در نقش برنسس سالومه با ناخنهای بلند و آرایش مدرن خود مثل همیشه بصورت محبوب خود سیلی می زند و بار بوسه می دهد .

بازی او بدون کوچکترین تحول و تنبیری همان بازی (کیلدا) و (تری نیداد) است . همان حرکات تند و سریعی که بیشتر بر رفتار یک دختر ولگرد پارسی شبیه است تا بیک شاهزاده خانم اصیل و مرموز شرقی ، تندی و ناآزمودگی او و عدم تناسب رل سالومه برای او در اوایل فیلم که بسا (مارسلوس) صحبت می کند کاملا مشهود است . در عرض باید انصاف داد که اگر ریتهایورت هیچ مزیتی بر سایر ستارگان نداشته باشد رفاصه هنر مند و بسیار ماهری است . در تمام فیلم سالومه تنها (رقص هفت روبروش) او است که مورد توجه قرار می گیرد و حسن تعبیر و ستایش تماشاچیان را برمی انگیزد . گرچه اهمیت این رقص تا سدهای بعدی در محروم نیلبردراری و مونتاژ خوب است ولی در هر حال مهارت خود او غیر قابل انکار است . پس از ریتهایورت باید از استوادت گرینجر نام برد که عینا همان قیافه و تپیی را که در فیلم (سزار و کلثوبانتر) بر ناردشا داشته است تکرار نموده و کپیه کاملی از همان شخصیت رامجمم کرده است بنا بر این دو هنرپیشه اول فیلم کلامی جز نشان دادن حرکات و اعمال همیشگی خود بپسند ندارند و تنها بازی قابل توجه در فیلم سالومه بازی چارلز لانتون در نقش هرود و سدریک هاردویک در رل سزار تیبر بوس می باشد که متاسفانه میدان زیادی بآنها داده نشده است . سالومه را بواسطه نبودن فیلم بهتری میتوان دید .

خانواده فیوری

داستان اصلی خانواده فیوری توسط (ناپون بوش) نویسنده کتاب (جدال در آفتاب) نوشته شده و درباره خانواده های اشراف

ترویج و پیشرفت فیلمهای فارسی علاقمندی خاصی نشان داده و از بدل هیچگونه کوششی کوتاهی ننموده است و اخیراً هم بعد از فعالیت زیاد و جلسات متعدد توفیق حاصل کرد که بالاخره بین آقایان مدیران استودیوها و هنرپیشگان توافق ایجاد نموده و ترتیب ایجاد سندیکای سینمایی را بدهد که اخیراً ثبت رسیده و صورت قانونی یافته و مسلماً در آتی خواهد توانست به صورت تشکیلات رسمی از منافع سینمای ملی دفاع و حمایت نموده از تضییع حق وابستگیان و هنرمندان سینمای کشور ما جلوگیری نماید . و دیگر از اقدامات قابل ملاحظه آقای سدادی که مورد تشکر و امتنان همه کسانی است که در تهیه فیلمهای فارسی علاقمند و سهم میباشند ، فعالیت برای انواع عوارض چهل درصد است که امید می رود در اثر اقدامات ایشان و سندیکای فیلمبرداران و سینمایی مذکور در بالا و مخصوصاً با توجه و علاقه آقای دکتر خانلری معاون محترم وزارت کشور و آقای منصر شهردار تهران بزودی این تصویب نامه لغو و در اخذ عوارض تخفیف قابل ملاحظه داده شود و مسلماً خدمت و علاقه همه کسانی که برای برداشتن این مانع پیشرفت سینمای ملی زحمت کشیده میکوشند از نظر جامعه و تاریخ هنری کشور فراموش نخواهد شد و ما در اثر همین علاقمندی و اشتیاق آقای سدادی بانجام کارها و خدمات مثبت شایسته دیدیم که از ایشان بدینوسیله تشکر و تقدیر نموده و امیدواریم آقای سدادی که از خدمت گزاران صدیق و تحصیل کرده دولت هستند در آتی با همکاری و معاضدت سایر همکاران خود و اعضاء کمیسیون در انجام خدمات مفید و مؤثر و با ارزش کامیاب گردند و از خود یاد کارها و نام نیکی بیاد کار گذارند .

تنها تشکیلاتی که امروز بر فعالیت های هنری کشور نظارت و دخالت مستقیم دارد کمیسیون نمایشات میباشد که وظیفه خطیر و مسئولیتی سنگین بعهده دارد و مسئولین اداره و اعضاء این کمیسیون بایستی دارای علاقه و اطلاعات و دانشوزی کافی باشند تا با توجه بوظیفه مهم خود برای پیشرفت فعالیت هنری و اقدامات مثبتی که در این مورد انجام میگردد ، با کمال بر نظری و بانهایت توجه اقدام و اهتمام نموده و مخصوصاً با فراهم آوردن تسهیلات لازم کسانی را که سرمایه و فعالیت خود را در امور هنری صرف می نمایند تشویق و موجبات علاقمندی دیگران را ایجاد سازند تا بدین وسیله میدان فعالیت بیشتری فراهم آید .  
اگرچه تشکیلات فعلی این سازمان کافی نبوده و وسعت لازم را دارا نباشد ولیکن خوشبختانه در اثر علاقه اعضاء کمیسیون اخیراً اقدامات مفید و قابل ملاحظه ای وسیله این سازمان انجام شده که موجب ایجاد قدرت و نفوذ شایسته برای آن گردیده و موجب خوشوقتی و امیدواری است .  
امیدواریم که این کمیسیون در آتی با توجه و علاقه بیشتر در انجام وظایف خطیر و مهم خود بیش از پیش توفیق حاصل نموده و با اقدامات مفید و بزرگتری بتواند بر نفوذ و ارزش این تشکیلات بیافزاید ولی موضوعی را که همه بر آن متفق القول هستند و اقدامات مفید و قابل ملاحظه کمیسیون را مدیون آن میدانند وجود آقای سدادی بازرگ محترم وزارت کشور در رأس کمیسیون مزبور است که انصافاً در مدت تصدی خود در این سمت با وجود اشکالات فراوان همواره با علاقه وافر سعی نموده است که اقدامات مفید و مثبتی انجام دهد و مخصوصاً در مورد رفع اشکال از نمایش فیلمهای با ارزش و سانسور آنها و همچنین در مورد

## تشریح

پس از اینکه در شماره گذشته نتیجه آراء هیئت داوران اولین فستیوال فیلمهای ایرانی سال ۳۲ در مجله منعکس گردید نامه‌ها و تلکرافات زیادی از تهران و شهرستانها بدست ما رسید که در کلیه آنها هنرمندان و هنردوستان محترم از اقدامات و فعالیت‌های مفید کنگره سینمایی ایران اظهار تشکر نموده و از ما خواسته‌اند که در آینده فعالیت خود را وسعت بیشتری داده و بدینوسیله در ترویج و پیشرفت هنر و بالا بردن سطح معلومات هنری مردم کشور خود و تشویق از هنرمندان و هنرپیشگان اقدام بنمائیم و ضمناً در این چند روز مرتباً عده زیادی از دوستان و خوانندگان محترم بدقت مجله مراجعه و مراتب لطف و توجه و تشکر خود را شفاهاً بیان نمودند که احساسات پر شور و محبت آمیز آنان موجب تشویق و نیروی نویسنده گان و هیئت تحریریه مجله است و بایستی اذعان کنیم که محبت برخی از دوستان و علاقه‌مندان در این مورد واقعا ما را شرمند ساخته و همین تشویقها و احساسات دلنشین و گرم است که با تمام موانع و کارشکنیها - مخصوصاً عدم توجه و بی‌علاقگی اغلب هنرپیشگان که این اقدامات در حال نفع آنهاست - ما را دلبند و علاقمند میسازد تا با نیرو و اشتیاق بیشتر خدمات خود را با سازمان وسیع‌تر و محکم‌تری دنبال بنمائیم و اینک برخود لازم می‌دانیم از این احساسات و علاقه‌مندی دوستان هنرمند و خوانندگان محترم که کتبا و شفاهاً ما را مورد تشویق و تمجید قرار داده‌اند تشکر و سپاسگذاری بنمائیم و بهت بیشتر خود را در مورد اقدامات گذشته و آینده کنگره سینمایی ایران پس از شرفیابی برندگان فستیوال و اعضاء هیئت مدیره کنگره به حضور اعلیحضرت همایونی موکول مینمائیم.

و فتودالهای قدیم تکرار است. این داستان شش سال قبل در استودیو بارامونت با شرکت هنرپیشگانی چون والتر هوستن باربارا استانویک - وندل کاری - کیلبرت رولند - جودیت اندرسن فیلمبرداری شد. خانواده فیوری را از دو نظر می‌توان مورد بررسی قرار داد از لحاظ حوادث و مناظر عمومی از همان ردیف فیلمهای «وسترن» است که از کوچ دادن رماها و رقصهای محلی غرب امریکا و دارزدن دشمنان بشاخه درخت تجاوز نیکند ولی از نظر زمینه داستان و پرورش دادن شخصیت‌های مختلف در اینجا تفاوت عمده‌ای وجود دارد و آن تشریح روحیات و نکته‌های مبهم اخلاقی گروه اشراف و مالکین غرب امریکا می باشد که با سبکی ماهرانه و بساطت بی‌نی خاص بیان شده است و باین ترتیب فیلم یک رنگ فلسفی و روانشناسی عمیق دارد. در اینجا هم مثل (جدال در آفتاب) یک تروتند مستبد و خشن و خودخواه با تمام جنبه‌هایش مورد بحث قرار گرفته و بازم مثل همان فیلم این شخصیت خشن که تقریباً پرسوناژ منفی داستان و عادتاً مورد نفرت تماشاچی است با وضعی قهرمانی و شجاعانه بقتل میرسد و والتر هوستن در دل این مالک سنگدل و بی پروا معرکه میکند و بازی او بیش از حد انتظار است. کاراکتر دیگر فیلم دختری است که باید طبعی تند و سوزان داشته باشد و باربارا استانویک بخوبی از عهده ایفای چنین رلی برآمده است. «فرانتز و کسمن» سازنده آهنگهای متن فیلم نیز در انتخاب

موزیک ذوق خاصی بخرج داده و مخصوصاً چندین گردان جالب انتخاب کرده که تا پایان فیلم بگوش میرسد. فیلمبرداری ماهرانه و پلانهای زیبا که از

امتیازات فیلمهای تحت کارگردانی (آنتونی مان) میباشد کمک زیادی بسخته های فیلم نموده و با این ترتیب گرچه تقریباً اغلب صحنه‌ها ساکت و طولانی است و در حال عادی برای تماشاچی خسته کننده و زائد میباشد ولی انتخاب میز آنسن‌های ابتکاری و زوایای مناسب برای نور این صحنه‌ها را - بوضعی جالب و تماشائی در آورده است اما نتیجه داستان همانطور که گفته شد ممکن است برای عده‌ای جالب نباشد مخصوصاً آنها که عادت دارند پرسوناژ منفی فیلم را در پایان داستان مواجه با انتقام و مکافات سخت ببینند. این فیلم از فیلمهای کهنه و فرسوده ای است که سالها در انبار سینما مانده و تقریباً از یاد رفته است اکنون هم در موقع نمایش تکه‌هایی از آن حذف و پاره میشود و ترجمه شکسته بسته فارسی آنرا نامفهوم تر مینماید فقط از نظر جنبه رمانتیک آن که از سایر فیلمهای وسترن برتر است قوی تر است آنرا میتوان دید.

## عکاسی البرز

عکاس مخصوص هنرپیشگان  
و استودیوهای ایرانی  
نشانی: چهار راه عزیزخان  
تلفن ۴۴۳۱۰



«وندل کاری» و «باربارا استانویک» در صحنه‌ای از فیلم «خانواده فیوری»

# این هنرپیشه رقص کیست؟



کار یک توری را که در بالا ملاحظه می فرمایید مری بوط بیکی از هنرپیشگان محبوب شماس است که بطور حتم هلاک زیادی بساو داریده و فیلمهایش را نیز بلا استثناء دیده اید. مانیز برای راهنمایی شما متذکر می شویم که او زمانی رول (راه-زن) را بعهده دارد و گاهی نیز برای لومی سیزدهم فدا- کاری نموده بانگلستان میروود و همراه فر کمرشیر بازی مینماید ا حتما اورا شناختید بنا بر این فوری نام اورا در یکطرف کاغذ نوشته همراه ۲ ریال تبر باطل شده بدفتر مجله ارسال دارید تماما نیز بحکم قرعه به شش نفر از شرکت کنندگان تهران و شهرستان ها ۶ جایزه یکماهه مجله تقدیم نمائیم.

## معلومات سینمایی خود را بیازمائید

- ۱ - کارگردان فیلم (طلمسم شده) چه نام داشت ؟
- ۲ - در فیلم (صنمهای زیگفیلد) کدام هنرپیشگان شرکت داشتند ؟
- ۳ - مارلون براندو در چه سالی متولد شده ؟
- ۴ - کاری کوپر برای بازی در کدام فیلمها جایزه اوسکار گرفته ؟
- ۵ - همبازی (سیلوانا منگانو) در فیلم (برنج تلخ) چه نام داشت ؟

## هنر گده نقاشی پیمانی

برای دوره چهارم خود ثبت نام میکند

داوطلبان می توانند همه روزه صبحها از ساعت ۸ تا ۱۲ و از ۴ تا ۷ بعد از ظهر مراجعه و نام نویسی کنند.

نشانی : شاه آباد مقابل دبیرستان شاهدخت

# سینما

## صنعت سینمای کدام کشور را میپسندید و بچه دلیل ؟

پاسخ های رسیده بنوبت چاپ خواهد شد و مدت این مسابقه دوازده شماره است

### جواب هفتم

#### ایتالیا

نمایش دادن انواع فیلم در روحیه هر فرد تأثیر بخصوصی دارد . فیلمبرداران باید تمام این نکات را در نظر بگیرند و با اسلوب و تکنیک صحیح فیلمبرداری کنند و نباید برای استفاده خود و تجارت فیلم ، روحیه افراد را منحرف کنند .

متأسفانه تمام فیلمهای امریکایی بیشتر جنبه تجارت دارند تا هنر تمام فیلمهای امریکایی عبارتند از چند دکور برای هزار فیلم و یک عده هنر پیشه که هر کدام با لباس کانکستری بصورت های مختلف ظاهر میشوند و ملاحظه میفرمائید که در روحیه افراد چه تأثیری دارد مبتذل تر از همه داستانهای آن میباشد که سناریو نویس برای تمام فیلمها مورد استفاده قرار میدهد و فقط بغاطر تجارت برداشته میشود و هیچ جنبه هنری ندارد . ولی

فیلمهای ایتالیایی واقعا توانسته اند که در چند سال اخیر هنر واقعی سینما و ارزش فیلم و هنرمندان پر ارزش را به عالم سینما معرفی نمایند و خود را در ردیف بهترین فیلمبرداران دنیا قرار دهند کارگردانان ایتالیایی هیچ وقت از دکورهای مصنوعی و هنرپیشگان بی هنر استفاده نکرده و بغاطر تجارت فیلم تهیه نمیکنند و همیشه سعی میکنند از مناظر طبیعی و داستانهای واقعی فیلمبرداری کنند این چنین فیلمها برای تماشاچی و مردم هنر دوست از هر جهت قابل استفاده است و هنرمندان آن برای این شهرت و محبوبیت جهانی پیدا کرده اند که دل خود را کاملاً طبیعی بازی می کنند و در موقع نمایش فیلم خاطر این تماشاچی در سینما نشسته با اینکه در کنار مناظر طبیعی ، از یاد میبرد متأسفانه فیلمهای پر ارزش ایتالیایی را خیلی کم با بران می آورند و عده معدودی واکه وارد میکنند با دوبله آن بفارسی ارزش هنری فیلم را از بین میبرند و در هر صورت با نمایش دادن چند فیلم ایتالیایی در ایران مردم بارزش آن واقف شده اند .

م - زنگنه

### شرکت کنندگان در مسابقات توجه نمایند

- مسئول صفحه مسابقات مجله «ستاره سینما» از شرکت کنندگان محترم تقاضا دارد برای تسهیل بیشتری در کار مربوطه ، نکات زیر را کاملاً مراعات نمایند :
- ۱ - روی پاکت جمله «دائره مسابقات» را فراموش نکنند .
  - ۲ - برای هر مسابقه دو ریال تبر باطل نشده در داخل پاکت - نه روی آن - همراه با پاسخ آن بآدرس مجله ارسال دارند .
  - ۳ - پاسخ هر مسابقه سه شماره بعد اعلام خواهد شد .
  - ۴ - هر مسابقه دارای شش جایزه یکماهه « ستاره سینما » میباشد . ضمناً قوانین فوق در مورد مسابقات دائمی مجله دارای حالت استثنائی است که در زیر همان مسابقه قید شده است .

### برندگان مسابقه این ستاره زیا کیست شماره (۴۱)

- ۱ - دوشیزه منیره جوادی (نیشابور)
- ۲ - هما شهر یاری (ورامین)
- ۳ - آقای محمد جعفری (کرمان)
- ۴ - حسین میندی (زاهدان)
- ۵ - هارطون مسروبیان (تبریز)
- ۶ - احمد فولادوند (تهران)

### جواب صحیح (لورن باکال)



شرکت سهامی چاپ کمر

## شما که میخواهید هنر پیشه سینما بشوید...

از موقعیکه اولین شماره مجله ستاره سینما شروع به انتشار کرد، عده کثیری از خوانندگان عزیز چه کتباً و چه شفها از ما تقاضا کردند برای آنها شروع به اقدامات نموده و کاری کنیم که آنها وارد استودیوهای ایرانی شوند و در فیلمهای فارسی شرکت کنند و از آنجائیکه این تقاضا روز بروز زیاد و حاد تر میشد لذا بنا بتصویب هیئت تحریریه قرار شد از این شماره نام و مشخصات و عکس کسانی را که مایل هستند در استودیوهای تهران استخدام شوند، در مجله بچاپ برسانیم تا چنانچه استودیوها مایل به استخدام هنرپیشه باشند، از میان این داوطلبین اشخاصی را انتخاب نمایند. لذا از آن دسته خوانندگان محترم که شور هنر پیشگی و شرکت در فیلم بسر دارند، در خواست می شوند چنانچه مایل باشند، مدارک زیر را در تهران شخصاً با اداره مجله آورده و ساکنین شهرستانها نیز بوسیله پست برای ما ارسال دارند:

۱- دو قطعه عکس کارت پستالی ۴- یک ورقه رونوشت شناسنامه ۳- میزان تحصیلات ۴- اندازه قد - وزن - آدرس منزل - هنرهای مختلفه ۵- مبلغ یکصد ریال هزینه چاپ کلیشه در مجله. در هر شماره نام و مشخصات عده ای از علاقمندان بنوبت درج خواهد شد و البته استودیوها با مراجعه باین لیست هنر پیشگان مورد نظر خود را انتخاب خواهند کرد ولی باید متذکر شد که اداره مجله در قبال عدم انتخاب آنها از طرف استودیوها مسئولیتی بعهده نمیگیرد. این ابتکار تنها کمکی است که مجله ستاره سینما میتواند در باره علاقمندان به هنر پیشگی انجام دهد و از همین امروز منتظر رسیدن جوابهای شما هستیم.

### حقه های فیلم

(بقیه از صفحه ۷)

رو برو می شوند که هیکل آن تقریباً با اندازه یک فیل است. این حقه بدین طریق درست شده بود:

۱- در وهله اول هیکل خروس را جداگانه از نزدیک فیلمبرداری کرده و دو در بین بعدی بخروس نزدیک بود که هیکل آن تمام کادر را فرا می گرفت ۲- در مرحله دوم این فیلم را روی یک پرده بزرگ ترانس پارانس (یا پرده شفاف که شرح آن در حقه های سینمایی کینک کونک مذکور افتاد) نمایش داده و هنر پیشگان در مقابل این پرده بازی خود را انجام میدادند. فیلمی که از این منظره برداشته شد، چنین نشان می داد که دو نفر آدم کوتاه قد و ضعیف البته در مقابل خروس عظیم الجثه ای ایستاده اند. بدین طریق حقه های مشهور فیلم دکتر سیکلوپس بوجود آمدولی چون در ایران هنوز استفاده از پرده ترانس پارانس بسبب عدم وجود پلانوهای بزرگ، امکان ندارد لذا استودیوهای ما مجبورند از حقه های بدوی سینما که فعلاً ازمد افتاده، استفاده نمایند که البته تأثیر آن روی تماشاچی کمتر خواهد بود.

### هنرهای ملی مجله ماهانه

هنری - ادبی - انتقادی  
بزودی منتشر می شود

شماره ۴۴

### من داوطلب هنر پیشگی در استودیوهای ایران هستم

#### «بنیاد نمایش در ایران»

از: دکتر جتی

منبع و منشأ هنر - نظری بگذشته دور - فرهنگ و هنر در فلات ایران در عصر تمدن آریایی - دوره پارتها - عصر درخشان ساسانیان - دوره تسلط عرب - تمزیه نامه های نایبی - تمزیه نامه های ما از نظر نمایش - شیوه نمایش - دکور، لباس و آرایش نقشها - اسالط نمایشهای حماسه های ملی ما از نظر نمایش - آثار نشاط انگیز و نمایشهای خنده آور - ره آورد مسافری از کشورهای دیگر - تئاتر ایران در عصر حاضر - تأثر امروز ما.

بها با جلد زر کوب ۱۰۰ ریال  
کتاب فروشی ابن سینا



نام و نام خانوادگی - رضادریان  
اندازه قد - ۱۶۴ سانتی متر  
وزن - ۵۷ کیلوگرام  
میزان تحصیلات - شش ابتدائی  
هنرهای مختلفه - دارای همه نوع هنر هستم

آدرس - سه راه زندان خاکی کوچه  
فرجی نژاد منزل شخصی آقای محسنی

### یاس

مجموعه داستان

از: مهرداد

در کتابفروشی ها به معرض فروش  
گذاشته شده است

## ماجرای نوکر!

نوکر یکی از هنرپیشگان همراهِ او روزی بیازاد میرفت در راه ناگهان بی اختیار با او شوخی رکیکی کرد. هنرپیشه بر گشته گفت: پدرسوخته! این چه حرکتی بود کردی!

نوکر دستپاچه شده گفت: بیخشد تصور کردم خانم هستند!

## حیوان با وفا!

زندگی هنرپیشه فیلم «راهزن» روزی بهمانی دوستش رفته بود اتفاقاً سگ صاحبخانه او را بسختی گاز گرفت. زندگی کله نموده گفت: سگ شما پای مرا گاز گرفت و مدت‌ها پایم دردهانش بود. صاحبخانه: برای اینکه از قدیم گفته اند سگ حیوان باوفائی است!



مدیر استودیو از نقطه نظر یک ستاره سینما!

## زن و تفنگ!

هده‌ای سرباز مشغول مشق تیراندازی بودند. فرمانده پس از آنکه طریقه گرفتن تفنگ و آتش کردن را برای سربازان شرح داد بهر یک از آنها امر کرد یکبار تفنگی را آتش کنند.

یکی از هنرپیشگان انگلیسی که در خدمت ارتش بود وقتی آتش کرد لگد محکمی از تفنگ خورد و بزمین افتاد. فرمانده از روی دلسوزی گفت:

جانم، تفنگ را اینطور نیگیرند! آرامش خانت در آغوش بگیر و فشار بده. هنرپیشه در حالیکه از زمین بلند میشد، گفت: آخر سرباز زن من کی اینطور لگد میزند، او فقط گاز میگیرد!

## اسم گذاری!

هنرپیشه اول: دیروز سگ ما بیچه نشنگی زایید. خواستم اسم او را زانت بگذارم ولی برادرم نگذاشت!

هنرپیشه دوم: چرا! گفت به «زانت مکدونالد»

## مضحک قلمی!

ستاره مشهور توهمین میشود

- خوب بعد؟

- تصمیم گرفتم او را «ژولی» که شبیه نام شماست بنامم ولی باز هم برادرم نگذاشت - چه خوب، از طرف من از برادران تشکر نمایید.

- ولی هیچ میدانید چرا نگذاشت اسم شما را روی سگ بگذارم؟

- نه، چرا؟

- چون عقیده داشت که بسک توهمین میشود!

## هتتهای خونسردی!

معزون بنا بر توصیه رفقایش برای نخستین بار سلمانی که تازه تأسیس شده بود رفت و با استاد سلمانی گفت ریشش را بتراشد در ضمن اینکه سلمانی تیغ خود را تیز میکرد معزون متوجه شد که دست او میلرزد پرسید: خدای نکرده کسالتی دارید؟ سلمانی بسادگی گفت: خیر، ولی چون اولین بار است که صورت یک نفر را می تراشم، دستم میلرزد. میترسم صورت شمارا زخم کنم.

معزون در کمال خونسردی گفت: اشکالی ندارد، فقط مواظب بساختید دست خودتان را زخم نکنید!

## علت غم!

کیایی: چرا اینطور غمگین هستی؟ خواجوی: چطور میخوامی غمگین نباشم؟ دیشب خواب دیدم استاد محمد نجار



وقتیکه ملوانان مجرد به سینما میروند نتیجه این میشود!!

زنده شده است.

کیایی: خوب بتوجه ربطی دارد؟ خواجوی: مگر نمیدانی ده تومان اجرت تعمیر درخانه را از من طلبکار است!

## تئاترهای قدیم!

سابقاً در تئاترها بازی نیبکروند و مردها رلزنها را انجام میدادند در تئاتری نمایش سامسون و دلیله را میدادند شروع نمایش قدری طول کشید و مردم همیشه می کردند. مدیر تئاتر روی صحنه آمد و گفت: خواهش میکنم قدری حوصله بفرمایید دلیله دارد ریشش را میتراشد!

## عرق و فراموشی!

بقای: تقصیر این روزگار زندگی سخت است که هرق خورد شده ام. بجان خودت، فقط برای این هرق میخورم که برای من فراموشی میآورد. هرق فروش: پس خواهش میکنم پول هرق را قبلاً بپردازید!



مدیر استودیو پس از نمایش فیلم به کنار دریا میرود!

## چهل درصد!

مدیر استودیو می در خیابان بیکی از حکادانش رسید و پس از سلام و توداف پرسید: خوب از اوضاع چهل درصد چه میفهمی؟

- بنظر من اوضاع خیلی بهتر است.

- چطور خیلی بهتر، بهتر از چه؟

- بهتر از سال آینده!

## گوشت لجباز!

مجید محسنی هنرپیشه کمدی مشهور اکثر اوقات نهار را در رستوران میل می فرماید روزی با خشم و غضب کارسون را صدا زده گفت: این خوراک گوشت گاو است یا اسب که دندان بآن کاورگ نشود؟ کارسون بسا خونسردی جواب داد: خیر قربان، گوشت قاطر (!) است. میدانید که قاطر قدری لجباز و لجوج است یک کسی حوصله داشته باشید، قدری بیشتر بآن ور بروید بزودی دندانان بآن عادت خواهد کرد!

# تاریخ سینمای آمریکا

ترجمه «تاریخ سینمای آمریکا» که یکی از

بهترین و مستندترین کتب سینمایی و بقلم «روبرت فلوری» کارگردان فرانسوی است از شماره ۴۸ آغاز شد و متأسفانه بعلمی ترجمه بقیه آن بعهدہ تعویق افتاد. اینک از این شماره ترجمه بقیه کتاب را بخوانندگان عزیز هدیه میدهیم و کسانی که مایل هستند از مقدمه کتاب بااطلاع شوند میتوانند به شماره‌های ۳۸ و ۳۹ و ۴۱ مراجعه فرمایند.

موفقیت فیلم «حلقه آرزو -

**The Wishing Ring** سلز نیک را ترغیب بکار کرد. مدتی بعدوی رئیس کلارا کیسبال بانک کپانی» گردید و اولین فیلم این استودیو بنام «قانون حرف» تهیه شد و سپس فیلم «هروس زمان حنک» با اشتراک «نازیبوا» را تهیه نمود. «نرما تالناج» ستاره مشهور در همین اوان با سلز نیک قرار دادی منعقد کرد و در فیلم «پاتنه آ» ظاهر شد. «آدولف زوکور» که از موفقیت‌های رقیب قدیمی خود سلز نیک بطمع افتاده بود با زحمات زیاد نصف سهام کپانی فوق را خریداری نمود و اینبار کپانی به «سلکت پیکچرز» تغییر نام داد و فیلم‌های آن در استودیوی «فیوس پلیرز» تهیه میگردد. آدولف زوکور کم‌کم اختیار کارهای کپانی را در دست گرفت و نام سلز نیک را که تا آنوقت بالای اسم هر فیلم دیده میشد، دستور داد حذف کنند و بدین‌طریق وی صاحب اختیار کپانی گردید.

## تولد هالیوود

اولین استودیوی فیلمبرداری هالیوود در نیش خیابان «گاور» و «سانست بولوارد» بنا گردید. این استودیو در سال ۱۹۱۱ توسط دیوید هورسلی مدیر استودیوی «نستور فیلم» تأسیس شد و مدت کوتاهی نگذشته بود که کپانی معروف «وایتا گراف» استودیوهای خود را در بولوارد «لوس فلیز» پایه‌گذاری کرد. در اواخر سال ۱۹۱۱ هنوز دو اژده کپانی معروف و بزرگ فیلمبرداری در شرق آمریکا مشغول کار بودند. در سال ۱۹۱۲ «آدولف زوکور»، ادوین پودر و ودانیل فرومان استودیوی «فیوس پلیرز فیلم» را تأسیس نموده و برای شروع بکار، فیلم «ملکه الیزابت» با اشتراک هنرمندترین ستاره آن روزی «سارا برناردت» را از فرانسه خریده و در آمریکا نمایش

ساموئل گلدوین اشتباه نشود) استودیوی کوچکی تشکیل داد. سیسل دومیل و نویسنده سینمایی «داستین فارنوم» در کوچه «سلما» انباری خریده و در آنجا فیلم‌های تهیه کردند که مورد توجه اربابان کپانی «فیوس پلیرز» قرار گرفت و این دو استودیو مدتی بعد باهم تلفیق شده و از آن میان کپانی معروف «پارامونت» بوجود آمد که تاکنون هنوز با برجاست و آدولف زوکور رئیس و سیسل ب. دومیل بزرگترین تهیه‌کننده و کارگردان آن میباشد.

کم‌کم استودیوهای که در مشرق آمریکا بکار مشغول بودند، بساط خود را جمع کرده و به مشرب آمریکا کوچ کردند و در محلی که «هالیوود» نامیده میشود، استودیوهای جدیدی تأسیس نمودند. کسی که این محل را «هالیوود» نامید خانمی بود بنام مادام «ویلکوکس» که چون در لیوانی گلند مزرعه یکی از دوستانش «هالیوود» نامیده میشد، این نام را به محل استودیوهای جدید داد و در اینکار نقاش فرانسوی «پل دولونبره» نیز با او هم عقیده بود. مادام «ویلکوکس» در سال ۱۹۱۱ که اولین فیلم ساخت هالیوود بنام «قانون مرتع» روی پرده سینما آمد، پدر و زندگی‌گفت و اینک بعضی از خیابانها و کوچه‌های هالیوود بافتار او و نقاش فرانسوی و سرخ‌بوستان قبایل «چروکی» و «کاهونگا» که ساکنین اصلی هالیوود بودند، نام‌گذاری شده است.

«دیوید وارک گریفیت» پس از ترک کپانی «بیوگراف» دو استودیوی «رولیانس» و «ماجستیک» را به هالیوود انتقال داد. در سال ۱۹۱۴ «کارل لیل» زمین‌های خود را در سان‌فرانسیسکو فروخت و در نقطه دیگری مقداری زمین خرید و شهر کوچک سینمایی «یونیورسال سیتی» را بنا نهاد (این محل اکنون بنام کپانی «یونیورسال اینتر نیشنال» معروف است که فیلمهای آنرا کاهنگاهی در تهران نمایش میدهند)

از ۱۹۱۵ تا ۱۹۱۹ هر چه استودیو در نقاط مختلف آمریکا بود به کالیفرنیا انتقال داده شد و فقط يك استودیو در «لونگ‌بلند» باقی ماند که تا سال ۱۹۲۰ باز بود ولی از این سال تا اوایل دوره ناطق تعطیل گردید. از سال ۱۹۱۹ تا ۱۹۳۶ تغییرات و تحولات شدیدی در هالیوود بوجود آمد.

«هال روچ» که در فیلمهای دوره صامت دل‌سیاهی لشکر را بازی میکرد، خود شخصاً استودیوی کوچکی تأسیس (بقیه در صفحه ۳۱)

دادند. این فیلم موفقیت عظیمی کسب کرد و فروش آن هر روز قوس صعودی را می‌پیمود.

«کارل لسله» در انسر مسافرت کوتاهی به ایالت کالیفرنیا، آن نقطه را از لحاظ آب و هوا و داشتن مناظر طبیعی مناسب تشخیص داد و بهین جهت



## آدولف زوکور

مؤسس کمپانی پارامونت

۱۳۰۰ هکتار زمین در دره «سان‌فرانسیسکو» نزدیک «بوربانک» خرید و تا سال ۱۹۱۴ فیلمهای «وسترن» خود را در این نقطه و فیلمهای درام و کم‌دیش را در شرق آمریکا تهیه می‌کرد.

«ماک سنت» در سپتامبر ۱۹۱۲ پلاتوهای «بیزون» را خرید و با تشریک مساعی «تامس لارمن» استودیوی معروف «کیستون - Keystone» را بنا نهاد و تا موقعی که چارلی چاپلین باین استودیو نیامده بود، «فرد استرلینگ» هنرپیشه اول آن محسوب میشد.

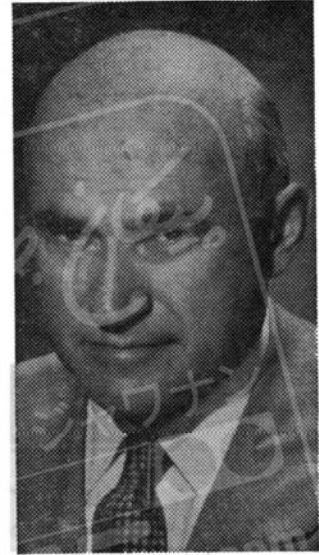
«جس لاسکی» در دهین دوره با توافق سیسل ب. دومیل و ساموئل گلدیش (با

### تاریخ سینما

(بقیه از صفحه ۳۰)

نمود و اولین فیلمهای لورل و هاردی را تهیه کرد. این استودیو مدتی دست بدست کشت تا اینکه بالاخره بنام «آر.ک.و.» R.K.O. موسوم گردید و اکنون نیز «آر.ک.و.» را دیوید نام دارد.

«دو کلاس فریبکس» هنر پیشه مشهور زمان صامت پس از اینکه در سال ۱۹۱۵ استودیوی «تریانگل» را ترک کرد، خود استودیوی جدیدی تأسیس نمود بنام «کمپانی دو کلاس فریبکس»



### ساموئل گلدوین

که بعداً به کمپانی «یونایتد آرتیستس» تغییر نام داد و اکنون نیز وجود دارد (فیلمهای این کمپانی فعلاً توسط سینما رکس در تهران نمایش داده میشود).

«ساموئل گلدوین» تهیه کننده بزرگ نیز استودیوی تشکیل داد که در سال ۱۹۲۲ «لوتی ب. مسایر» و «مترو» با او شریک شدند و کمپانی مترو گلدوین مایر - Metro Goldwyn Mayer را تأسیس نمودند که اکنون بزرگترین کمپانی فیلمبرداری آمریکا بشمار میرود «ویلیام فوکس» که در هالیوود بسر میرود، بسال ۱۹۲۵ اذکارکنانه گرفت و در تشکیل کمپانی فیلمبرداری فوکس قرن بیستم - 20th Century Fox سهمی نداشت. این کمپانی نیز اکنون از قدرتمندترین استودیوهای تهیه فیلم است کمپانی «برادران وادرن» نیز در همین دوره توسط چند برادر تأسیس شد و اکنون این کمپانی نیز از بزرگترین تهیه

### مصاحبه هنر با ستاره

(بقیه از صفحه ۳)

درباره فیلم «قطر در روز» باید اضافه کنیم که شوژه آن از روی بیس معروف نویسنده بزرگوار ایتالیائی «لویجی پیر-آندلو» اقتباس شده و «جری هوبر» کارگردانی آن را بعهده دارد در سال ۱۹۵۴ کرئل بورشر از طرف آکادمی فیلم انگلستان برای بازی در فیلم «قلب تقسیم شده» بعنوان بهترین ستاره خارجی سال شناخته شد. شباهت عجیب وی از لحاظ قیافه و هیکل با اینترگرید برکمن، جیمی را باین فکر انداخته است که وی بزودی جانشین ستاره بزرگ شوئدی شده و محل خالی او را در هالیوود پر خواهد کرد. خود کرئل بورشر نیز از این مقایسه زیاد ناراحتی بنظر نمی رسید و قیافه اش بشاش و خندان بود این ستاره آلمانی که من

### شرق بهشت

(بقیه از صفحه ۹)

کرد و در نتیجه (ویونند ماسی) بهترین دل دوران هنر پیشگی خود را در فیلم (شرق بهشت) ایفا نمود. (ریچارد دارالوس) با ایفای نقش (آرون) جوان آدامش طلبی که بالاخره آرزوها و اعتقادات خود را بر باد رفته می بیند، قدم به عالم سینما گذاشت و قبل از آن سابقه کمی در هنر پیشگی تئاتر داشت اجرای این دل ویران را در ردیف هنر-پیشگان جوان کمپانی برانوان وادرن در آورده و امید زیادی دارد که بزودی به ترقیات جدید تری نائل شود. مدت نمایش فیلم ۱۱۵ دقیقه میباشد و فعلاً در سینماهای آمریکا و اروپا و بعضی دیگر از نقاط دنیا نمایش داده می شود و امید زیادی میرود پس از تغییر سالن سینمای رکس برای نمایش فیلمهای سینماسکوپ، از اولین فیلمهایی باشد که روی پرده خواهد آمد.

کنندگان فیلم است (شرح مفصل تاریخچه این کمپانی در شماره ۱۴ صفحه ۱۱ درج شده است) بدین طریق کمپانیهای قدیمی یکی بعد از دیگری از بین رفته و در عوض عده جدیدی از تهیه کنندگان تازه نفس روی کسار میآمدند که هر کدام استودیوی جداگانه ای تشکیل میدادند اما از آنهمه کمپانی بزرگ و کوچک فقط چند کمپانی باقی مانده اند که عبارتند از: مترو گلدوین مایر - پارامونت - برادران وادرن - فوکس قرن بیستم - آر.ک.و. - دادیو - کلمبیا - دیابلک - یونیورسال اینترنشنال - یونایتد آرتیستس - آلابد آرتیستس. (بقیه دارد)

### ستاره سینما

برای اولین بار او را در کمپانی یونیورسال دیدم تاکنون قریب شانزده فیلم پشت سر گذازرده و علاوه بر کمپانی یونیورسال مجبور است برای یک کمپانی اطریشی و یک استودیوی برزیلی نیز سالی یک فیلم بسازی کند زیرا روز بروز بر شهرتش افزوده شده وعده ها خواهانش بالاتر میرود. یکی از فیلمهای خوب او فیلم آلمانی «چشان سیاه» است که تصویری گم چندسال پیش در سینمای دیانادر تهران نشان داده شد. «کرئل بورشر» از شرکت در فیلم «واحه» که اخیراً با اتفاق «میشل مورگان» و «پیر براسور» در شمال افریقا با تمام رسانیده است، چندان خوشنود نبود و اظهار میداشت که بازی وی تحت الشعاع مناظر شمال افریقا و زمزمینه داستان واقع شده است. نکته عجیبی که در باره وی قابل ذکر است این میباشد که وی فقط دو سال در رشته هنر پیشگی کار کرده و بدون داشتن هیچ گونه تجربه در کار سینما و تئاتر، توانسته است در عالم سینما راه یافته و شهرت و محبوبیت امروزی برسد. به کتاب علاقه فراوانی دارد و اوقات خود را با مطالعه و شنیدن آهنگهای «باخ» میگذراند و در تربیت تنها طفل خود «کریستیان» که دو ساله است اهتمام زیادی میورزد زیرا از شوهر خود «بروس کانینگهام» در سال ۱۹۵۳ طلاق گرفته و اکنون مجرد زندگی میکند. وی اخلاقاً زنی خوش خلق و آرام است و دوست دارد با اشخاص نجیب و بیسر و صدا معاشر باشد. به خرافات عقیده عجیبی دارد مثلاً هر چه نعل اسب پیدا میکند فوراً بر میدارد، از زیر نردبان عبور نمیکند و گاهی اوقات برای شگون نعل روی شانه های خود میریزد پس از کسب اطلاعات بالاتر باره وی به پیشنهاد من، عکسی با هم برداشتم که ضمیمه این مقاله است. کرئل بورشر از آنجائی که آلمانی است و خود را از نژاد آریا میداند، بایرانیه علاقه و محبت فراوانی ابراز میداشت و از مصاحبه با من خیلی خوشحال بنظر میرسید.

**کرم روزیتا**  
خانم: کرم روزیتا کرم دایغ گلت، گلت، گلت، گلت درخش مرز است  
«مصدوق شده» ۲۴۳  
شرکت تولیدی خنیا، آدوی ترسگار برلین

آقای ارسلان چهرنوری

اولا از اینکه آقای ملک مطیعی عکس شما و رفیقان را پس نمی دهد بسیار متأسفیم تا نیا ازطرز نگارش نامه شما معلوم بود که هنوز در مراحل اولیه جوانی و در نتیجه بی سوادی هستید. چنانچه بجای هنر پیشگی و نوشتن (آثار اجتماعی) بدرس و مشق خود بپردازید، فکرمی کنیم که بنفع شما باشد. ثالثا تشویق ما از هنر پیشگان خارجی دلیل تکذیب از هنرمندان داخلی نمی شود. هنرمند متعلق بهم جهان است و ایرانی و فرنگی ندارد.

آقای محمدرضا حمله دار

(خرمشهر)

برای چاپ عکس خود به پیشنهاد صفحه ۲۸ همین شماره رجوع فرمایید. مقصود شما را از (ویولتا ستاره زیبای آلمانی در هالیوود) نفهیدیم. ما که هیچ کسی را باین نام و نشان در هالیوود نمی شناسیم. ممکن است بفرمایید نام او را از کجا پیدا کرده اید؟

آقای محمد حق دوست

انتقادات شما نسبت به آزادی کمال

بی غرضی و مبتنی بر عشق و علاقه ای بود که بجهت ستاره سینما دارید و همین انتقادات

منطقی و بیجا می رساند که خوانندگان ما تا چه اندازه نسبت به سرنوشت مجله محبوب خود علاقه دارند مادر زمین اظهار سرمندی از عدم اجرای وعده های سابق سعی می کنیم منبهد با دقت بیشتری بکار مشغول شویم. در ضمن اینرا بدانید که آقای دکتر کاوسی بملت هارژه شکستگی استخوان پا فلادر بیبادستان بستری هستند و البته پس از بهبودی مقالات خود را در مجله فردوسی ادامه خواهند داد. نویسنده سینمایی روز نامه آژانک نیز آقای ناظریان بودند که فعلا بواسطه تغییر سبک روز نامه مزبور، از ادامه همکاری با آنها مندرت خواسته اند.

خانم روفیا (ماه جهان)

چاپ سرگذشت شما در مجله برای خوانندگان ما بسیار جالب خواهد بود. اگر امکان داشته باشد بکروز عصر برای مذاکره حضوری در دفتر مجله حضور بهم رسانید.

آقای محمد صحافیور (اهواز)

هنر پیشه فیلم (کمرشکن) امامی نام داشت و محصول استودیو (مرادی) بود. آقایان دوشیزه ه - م - پ - ر تو آماری که فرستاده بودید بسیار مورد

توجه و استفاده قرار گرفت. البته آمادهای بعدی را نیز برای ما خواهید فرستاد و چنانچه بخواهید همکاری ما ادامه یابد باید هویت حقیقی خود را کتباً با اطلاع دهید و مطمئن باشید که مغفی خواهد ماند

دوشیزه می می ساناساریان

۱- آن دو هنر پیشه رقص دو برادر بودند بنام برادران «آندروز» ۲- آخرین فیلم جن کلی که نمایش داده نشده فیلمی میباشد با نام «چه هوایی خوبی است که باسید شاریس ودان دلیلی با تمام رسانیده و آخرین فیلم جن نلسون نیز «او کلاهما» میباشد که آنهم بزودی آماده نمایش خواهد شد.

آقای فریدون همایون

انتقادات شما تماماً از طبع آتشین و عجول شما سر چشمه گرفته و بدون ملاحظه همه را بیاد انتقاد گرفته اید. مسامکنر نفس مجله نیستیم و خیلی خوشحالیم که لااقل اشخاص باعلاقه ای مثل شما پیدا میشوند که نقائص مجله را به ما گوشزد کنند. از طرفی باید بدانید که ما بسا هیچیک از استودیوها نه برادر خواندگی

آقای هوشنگ طهماسبی

۱- نام آن فیلم «باغی» است که اولین فیلم چین را سل محسوب میشود ۲- بازیکنان فیلم «هر که را قسمی است» اولیو یادوها ویلند و جان لند بودند و در کمیانی پارا موت تهیه شده بود ۳- هنر پیشگان فیلم «جاده ۳۰۱» نیز استیو کاران، و یرجینیا گری، والی کاسل و کابی آندره بودند.

دوشیزه هما شهیدی

تصدیق بفرمایید که ما بقول خود وفا کردیم و عکس «مارتا تون» عزیز شما را روی جلد چاپ نمودیم.

آقای دکتر فرهاد ناصر (مشهد)

۱- ملاحظه میفرمایید که هم بر قطر مجله افزوده شده وهم بر قیمت آن و امیدواریم که شاید بتوانیم در آینده بر قطر هر دو بازم بیافزاییم ۲- در مورد دیر رسیدن مجله بشهد بزودی تصمیم عاجلی گرفته خواهد شد ۳- بیان فرق درام و ترازوی خیلی زیاد و در حدود کار مایست اگر این سؤال را از مجلات ادبی میفرمودید بهتر بود.

۴- فیلم

«پاندورا»

محصول مشترک یک کپانی انگلیسی و کپانی مترو.



کلدوین مایر آمریکا بود و کارگردانش «آلبرت لوین» نامداست.

دوشیزه فرشته فرخ (مشهد)

بسیار باعث افتخار ماست که فقط بجهت ستاره سینما علاقه مند بوده و در انتظار آن روز شماری میکنید و امیدواریم که این علاقه مندی همیشه باقی باشد و حالا جواب سئوالات شما: ۱- هنر پیشگان فیلم از (لیبه شب تا سحر) ادموند او براین و مارک استیونس بودند ۲- هنر پیشگان فیلم «انتقامجویان» جان کارول - آدل مارا و فرناندولا ماس بودند و محصول کپانی (ریپابلیک) بود. پاسخ بقیه سئوالات شما را موقوف به تحقیقات بیشتری در این زمینه میکنم.

آقای داریوش قائم مقامی

۱- هنوز نمیتوان «هالترین» فیلم عالم سینما را به تحقیق معلوم کرد ۲- امید میرود فیلمهای سینما سکوپ امسال پاییز در تهران نمایش داده شود ۳- تصدیق بفرمایید چون آن داستان سینمایی خلاصه بوده است، بیش از این نبیشد در باره جزئیات آن قلمفرسائی کرد. البته میبخشید.

داریم و نه خورده حساب. البته هنگام شرح فیلمها در باره آنها مطالبی می نویسیم ولی بعد در صفحه انتقاد همان فیلمها را مورد تنقید قرار میدهیم و همین مسئله باید بشما ثابت کرده باشد که ما با هیچکس نظر خصوصی چه بغض آلود و چه محبت آمیز نداریم. در مورد نویسندگانی که نام برده اید، لازم است با اطلاعتان برسامیم که بعضی از آنها را که پیشنهاد کرده اید، در کادر هیئت تحریریه عضویت دارند و بقیه هم بملل مختلف از همکاری با ما استنکاف مینمایند و این دیگر تقصیر ما نیست.

آقایان وارطان آوانسیان - ویلسون اشپایف

۱- شرح حال آن لرد ویلیام هولدن در صفحه بیوگرافی مختصر هنر پیشگان بنوبت چاپ خواهد شد ۲- ویلیام هولدن برای بازی در فیلم «پازداشتگاه» شماره ۱۷ جایز اسکار گرفته است.

۳- فیلم «طلسم شده» بگاگردانی آلفرد هیچکاک و کپانی «یوانا پند آرتیستس» تهیه گشته است.



در سه سینمای درجه اول پایتخت  
سینما رکس - سینما هما (سالن تابستانی و سالن زمستانی)

تیرهای سوزان

(تمام رنگی)

ماجرای حیرت انگیز و مهیجی که خاطرة آن هرگز فراموش نخواهد شد

Out Of The Screaming Arrows...  
The Muskets Roar...  
The Tomahawk Terror...

A white man and an Indian Princess! They dared a nation's vengeance and the red man's savagery... to live the greatest love story of them all!

**FLAMES AMERICA'S FIRST GREAT ADVENTURE SAGA!**

**BURNING ARROWS**  
in PATHE COLOR

starring **ANTHONY DEXTER** • **JODY LAWRENCE**

with Alan HALE, Jr. • Robert CLARKE • Stuart RANDALL  
James SEAY • Phillip VAN ZANDT • Shepard MENKEN  
Douglas DUMBRILLE

باشتراک: آنتونی دکستر - جودی لاورنس (هنر پيشگان مشهور فيلم جانباز)

محصول سال ۱۹۵۴ کمپانی «یونایتد آرٹیسٹس»

## پنجره رو بحیاط Rear Window

جیمز استوارت (جف) - گرگس کلی (لیزا)  
وندل کاری (دویل) - تلماریتر (استلا) - رایموند بور (لارس)  
توروالد (تهیه کننده و کارگردان) : آلفرد هیچکاک  
از داستان : کرنل وولریج - محصول تمام رنگی سال ۱۹۵۴  
کمپانی پارامونت

### ترجمه: بهرام

تعمیل کند .

جف ، خبرنگار و عکاس روزنامه‌ها به هیجوجه از شغل خود راضی نبود ولی باوجود این باعلاقه و فعالیت فوق‌العاده‌ای کار خود را انجام میداد ، زیرا او از این راه میتواند زندگی خودش را اداره کند و روزنامه‌ها برای عکسها و مطالب جالب مخصوصاً عکسی که منحصر بفرد باشد پول خوبی می‌پرداختند. جف اغلب اوقات عکسهای جالبی تهیه می‌کرد و در انتخاب زوایا و تهیه موضوع وقت قابل ملاحظه‌ای بخرج میداد. ولی در ضمن تهیه آخرین عکس حادثه‌ای روی داده بود که منجر به گج گرفتن پای چپ او گردید. بسا آنکه جف موفق بگرفتن عکس از جریان يك مسابقه شده بود و در لحظات آخر حادثه مزبور بوقوع پیوست و ناچار وی بستری شد. جف قادر بنجات خود بود ولی باین ترتیب موفق بتهیه عکس نمیکردید و بالاخره وقتی پزشک بیمارستان گفت : «استخوان پای چپ شکسته شده و برای جوش خوردن لااقل شش هفته باید در گچ باشد» جف فهمید که تمام مدت مزبور را قادر بتکان خوردن نخواهد بود و همه این بدبختی را بخاطر این عکس لمتنی باید

بای چپ در گچ گذارده شد و او بیشتر اوقات را روی صندلی متحرکی که بکسک دستهایش آنرا بحرکت در می‌آورد ، می‌گذراند. در موقعیت اخیر جف که اوقات خود را بی‌کاری می‌گذراند ، ناچار حرکات و کارهای ساکنین آپارتمان روبرو را مورد دقت قرار می‌داد. پنجره‌های آپارتمان روبرو مثل پنجره اتاقی که جف در آن زندگی می‌کرد مشرف به حیاط داخلی آپارتمان بود. اولین اتاقی که نظر جف را جلب کرد ، اتاق یکزن و شوهر جوان بود که اغلب اوقات ، شب و روز را در آغوش یکدیگر می‌گذرانیدند و گاهی نیز شبها اتاق در تاریکی فرو می‌رفت ؛ مسلماً آن دو تازه بایکدیگر ازدواج کرده بودند و روزهای اول زندگی زناشویی خود را می‌گذرانیدند ولی برعکس همسایه‌های دست چپ ، زن و شوهری بودند که مدت مدیدی از ازدواجشان می‌گذشت و دیگر احساسات عاشقانه و پرشوری بین آنها دیده نمیشد و شب‌ها برای خوابیدن دوی بالکون جلوی اتاق خود می‌آمدند. یکی دیگر از همسایه‌های جف زن جوانی بود که مجسمه ساز بشمار می‌رفت و جف بیشتر ترجیح می‌داد حرکات دختر جوان طبقه اول را که يك رقاصه



جف بوسیله دوربین حرکات ساکنین حیاط را تماشا میکرد ...

### ستاره سینما

حرفه‌ای بود مورد توجه و دقت قرار دهد. حرکات زنگی روزمره دخترک نیز بیشتر بیک نوع رقص شباهت داشت و اغلب اوقات جف با يك دوربین قوی از پنجره اتاق خود حرکات او را تماشا می‌کرد.

\*\*\*

پرستاری که هر روز برای تهیه غذا و داروهای مورد نیاز جف باناق او می‌آمد بکروز او را مشغول تماشای اتاق دخترک رقاص دید . چند لحظه بعد گفت :

– واقعاً این کار شما مضحک است ، بسا اینکه دختر زیبای شما را می‌پرستد و خودش را کاملاً تحت اختیار تان گذارده است ، باز این دخترک رقاص که هیچکس باو اعتنا نمی‌کنند مورد توجه تان واقع شده . جف پاسخ داد : خوب ، بگوئید ببینم «لیزا» برای اینکه مرا بفکر ازدواج با او ببینید از چه قدر بشما حق الزحمه پرداخته است ؟!

استلا گفت : با این حرف خشونت شما نسبت بن آشکار میشود و در ضمن نشان می‌دهد که در باره لیزا چقدر بد قضاوت می‌کنید .

جف قسمی کرد آدامش خود را بساز یا بد سپس گفت :

– من محبت لیزا را انکار نمی‌کنم و می‌توانم بگویم که او اکنون زیباترین دوستان من بشمار می‌رود .  
– فقط اکنون ؟

– برای اینکه وقتی من بزنگی آتیه خودم فکر می‌کنم ، ببینم که واقعا ازدواج با يك خبرنگار که دائماً دنبال تهیه خبر و عکس می‌دود و هیچگاه اوقاتش متعلق ب خود او نیست ، کار احمقانه ایست . رو بروی پنجره اتاق من زن و شوهری زندگی می‌کنند که هیچگونه توافق با یکدیگر ندارند . شوهر با موهای سفید و چشمانی که از پشت عینک سوسو می‌زند و صدای ارزان از زندگی بازن جوانش راضی است ولی برعکس زن وی دائماً مریض و بستری و از شوهرش متنفر است . من با خودم فکر می‌کنم سر نوشت این زن و شوهر با این تضاد روحی و جسمی چه خواهد بود .

پرستار از پنجره نگاه می‌بیرود افکنده گفت :

– پس شما از این پنجره صحنه‌های جالبی را تماشا می‌کنید .

– ... و مخصوصاً از همسایه جالب ترسکی است که هر روز صاحبش آنرا در يك زنبیل قرار داده و بوسیله طناب در حیاط آویزان می‌کند و از همسایه عجیب تر طرز رفتار این مرد موخاکتری است که عینک ذره بینی بچشم می‌زند و هر روز خودش را با کلهای باغچه سرگرم می‌کند .

پس از عزیمت استلا، جف دوربین خودش را برداشت و تماشا مشغول شده ترتیب اتاق دخترک رقص و بعد زین مجسمه ساز را تماشا کرد و سپس اتاق یک پیا نیست را که همیشه خلوغ و بهم ریخته بود مورد دقت قرار داد. اغلب ساکنین اتاقهای روبرو بی کار خود رفته بودند. و این فرصت بهتری برای جف بود که با فراغت به تماشای خود یادامه دهد.

\*\*\*

رفته رفته شب فرارسید. هواسنگین و منقلب بود. جف به تماشای خود ادامه داد. رفت و آمد مردم موخاکستری که عینک زده بینی بچشم می زد توجه او را جلب کرد و مخصوصاً که در این رفت و آمدها مرد مزبور چمدان بزرگی در دست داشت. مرد وارد اتاق خودش و جف در تارک و روشن اتاق مشاهده کرد که او از چمدان یک کارد بزرگ بیرون آورد. جف آقای «توروالد» همسایه خود را می شناخت. بعد با دقت بیشتری حرکات او را تحت نظر گرفت. توروالد علاوه بر کارد مزبور یک آره نیز از چمدان بیرون آورد.

در این موقع لیزا دختر جوان و زیبایی که به جف علاقه مند بود وارد اتاق شد و جف اجباراً تماشای خود را که به مرحله جالبی رسیده بود نیمه تمام گذارد و چون از ورود بی موقع لیزا ناراحت شده بود، سؤالهای او را بسر دی پاسخ گفت ولی لیزا بیشتر در فکر جف بود و چون از شکم پرستی و اطلاع داشت دستور داده بود از یک رستوران بزرگ برای وی غذا بیاورند و به علاوه از آن سیکار های عالی که مورد علاقه جف بود تهیه کرده بود. ولی مهنذا جف ناراحت بود و برای اطلاع از جریان کار توروالد بیصبری می کرد. چند لحظه بعد لیزا گفت:

— راستی جف من می توانم برای تو در چند محل مختلف شغل پیدا کنم تا بعد از بهبودی بکار خود ادامه بدهی. — با اینهمه اشخاص شیک بو خوش

زبان دیگر جایی برای یک نفر مثل من با کفشهای رنگ و روخته و صورتی که یک هفته است اصلاح نشده، باقی نمی ماند.

— نه اشتباه می کنی جف؛ من فکر می کنم که اگر تو یک دست لباس فلانل آبی رنگ بیوشی خیلی بتو می آید و آن وقت یک مرد زیبا و دوست داشتنی خواهی شد.

.. لیزا، با این شغلی که من انتخاب کرده ام هیچوقت لباسهایم از یک چمدان تجاوز نخواهد کرد و طبعاً خانه و وسایل زندگی ام محدود خواهد بود. خواب کم، فعالیت زیاد از ضروریات این طرز زندگی به خصوص است، چطور با این موقعیت و شرایط می توان در زندگی بایک نفر دیگر نیز شریک شد؟

— ولی اگر من آن زندگی را که در کنار تو آرزوی منم بدست می آورم، همه این ناراحتی ها را تحمل می کردم.

— لیزا، درست فکر کن. آن وقت آیا این زندگی قابل ادامه خواهد بود؟ .. چند دقیقه بعد وقتی لیزا آماده رفتن شد جف گفت: خوب، پس کی تو را خواهم دید؟

لیزا با خنده پاسخ داد:

— فکر نمی کنم تا فردا شب بتوانم نزد تو بیایم.

بعد از رفتن لیزا باران شروع شد و شدت یافت پنجره های آپارتمان روبرو بسته شدند و وزن و شوهری که روی بالکن می خوابیده در حالیکه رختخوابشان خیس شده بود با هیجله بداخل اتاق رفتند، جف از اینکه، از تماشای همیشگی خود محروم شده بود کسل شد. بعد با خودش فکر کرد چقدر از نیمه شب می گذرد، دو یا سه ساعت ...؟

آپارتمان روبرو در تاریکی فرو رفته بود. جف اکثر شبها بیدار می ماند و تقریباً بیبغوابی عادت کرده بود. باران شدت بیشتری پیدا کرده بود. یکی از پنجره

های آپارتمان روبرو روشن شد و نظر جف را جلب کرد. پنجره مزبور متعلق با اتاق مسکونی توروالد و همسرش بود. جف مشاهده کرد که توروالد دوشی را از لای یک روزنامه بیرون آورد. دوربین خود را جلوی چشم گرفت و فهمید که اشیاء مزبور یک کارد و یک آره است. چند لحظه بعد توروالد چمدان را بست، چراغ را خاموش کرد و از اتاق خارج شد. یک دقیقه بعد در حالی که یقه بارانی خود را بالا زده و کلاهش را تاروی چشم پایین آورده بود، از آپارتمان خارج شد و زیر رکیار برآه افتاد جف تصمیم گرفت تا مراجعت توروالد بیدار بماند. نزدیک چهار ساعت گذشت و بعد جف متوجه شد که توروالد در حالی که همچنان چمدان مزبور را در دست دارد با آپارتمان نزدیک می شود. دو باره پنجره اتاق روبرو روشن شد.

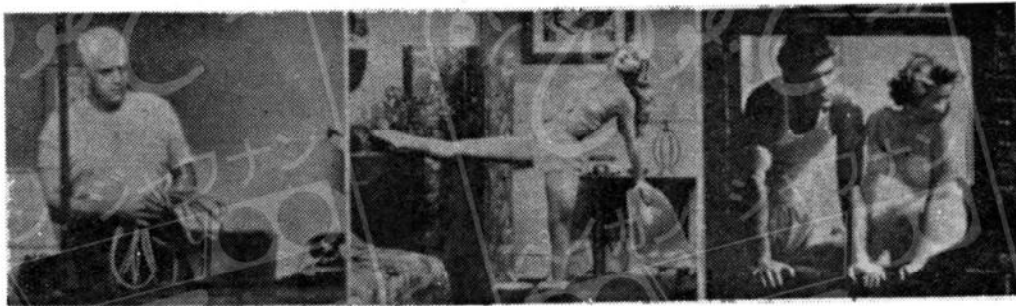
باران قطع شده بود و روشنای روز آرام آرام همه جا گسترده می شد. پنجره های آپارتمان روبرو تک تک کشوده می شدند. ساکنین اتاقها، دخترک رقص، زن وشوهر جوان، پیا نیست و دیگران فعالیت روزانه خود را شروع می کردند.

.. توروالد بطرف تلفن رفت و نمره ای را گرفت. چند لحظه صحبت کرد و سپس گوشی را جای خود نهاد. یک ربع بعد بازیر آذانس حل و نقل داخل اتاق شد، چمدان را برداشت و بیرون رفت. در این موقع استلا پرستار جف وارد اتاق شد. جف آنچه را که مشاهده کرده بود به علاوه حدس خود را درباره امر مزبور برای استلا حکایت کرد. استلا شانه هایش را بالا انداخت و گفت:

— خوب.. شاید همسایه روبرو برای گردش از اتاق خارج شده باشد.

— گردش زیر رکیار باران در آن موقع شب بایک چمدان طبعاً تولید سوء ظن می کند.

— شاید موقعی که شما در خواب بودید همسراو برای مسافرت از اتاق خارج شده



زن وشوهری که تازه ازدواج کرده بودند - رقاصه ای که بتمزین مشغول بود - مردی که همسر خود را بقتل رسانید



پرستاری جف بود که صدای فریادی او را متوجه ساخت جف و استلا از پنجره داخل حیاط را نگاه کردند. صاحب سگ کوچکی که چند بار باغچه را بو کشیده و با پنجه هایش خاک را زیر و رو کرده بود در حالیکه سگ را از درون زنبیلی که همیشه او را در آن قرار می داد بر میداشت، ناامیدانه گریه می کرد. سگ هیچگونه حرکتی نداشت و مرده بنظر می رسید. آیا محافظ باغچه بسک زهر داده و او را کشته بود؟

صاحب سگ که زن یکی از همسایه ها بود ناله کنان می گفت:

— تیلی بیچاره من... سگ قشنگ من... تو که آزادت به هیچکس نرسید! جف که مشغول تماشای این منظره بود به استلا گفت: — به هیچکس مگر به قاتل! یکبار دیگر جف دوست کار آگاه خود را بوسیله تلفن دعوت کرد که در قضیه مزبور دخالت کند. دویل قول داد که در اسرع وقت قضیه را حل کند ساهتی بعد نزد جف آمد و گفت:

— قضیه خیلی ساده است، همسر توروالد بسافرت رفته و توروالد پس از هزیمت او چمدانی بهعل اقامت همسرش می فرستد. من بسال آخره تو استم توسط دربان به حقیقت امر بی به برم... حتی همسر توروالد پس از دریافت چمدان نامه ای نیز برای شوهرش فرستاده است.

لیزا گفت:

— مهمنا قابل قبول بنظر نمی رسید که لانی بدون هلت حلقه ازدواج و کیف دستی خود را در مسافرت همراه لبره... پس از عزیمت کار آگاه لیزا به جف گفت: — با این شواهد و مدارک به عقیده من باید هر چه زود تر پلیس را خبر کرد.

جف پاسخ داد:

— لیزا، خودت را به خطر خواهی انداخت. — اگر تو هم يك بایت را کج نکرده بودی همین کار را می کردی. حالا من در عوض جای تو را خواهم گرفت.

...

توروالد مدتی بود که در انتظار دیده نمی شد... شب بعد لیزا تصمیم گرفت اتاق وی را مورد بازرسی قرار دهد جف و استلا از درون اتاق بسا دور بین حرکت لیزا را زیر نظر گرفتند دختر شجاع وارد اتاق قائل شد و کیفی را که در آن کسارد مذکور قرار داشت برداشته و درون آن را جستجو کرد... چند دقیقه بعد لیزا تصمیم بر اجرت گرفت.

ناکمان صدای با از پلکان بگوش رسید. لیزا با عجله به پنجره ای که مشرف

قاتل آثار قتل را از روی دیوار پاك ميكرد اما غافل از اینکه استلا و لیزا در حیاط مشغول جستجوی جسد مقتوله بودند

و چند لحظه بعد او با يك چمدان برای ملحق شدن به همسرش زیر در کباب خانه را ترک گفته است.

— ولی من نمی توانم این حرف ها را قبول کنم. کارد بزرگ و اره ای که در دست داشت، مخصوصا سگ کوچک همسایه که

در باغچه پای يك درخت بز مین پنجه می کشید از يك قتل عمدی خبر می دهد. من تصمیم گرفته ام الساعه به دویل تلفن کنم و نظر او را در رابطه با این باره سؤال کنم.

دویل، دوست جف که بشکل کار آگاهی اشتغال داشت، پس از اینکه اظهارات جف را از پشت تلفن بطور خلاصه شنید گفت:

— جف، منم با عقیده استلا موافقم و فکر می کنم اینها می را که تو پیش خود فکر کرده ای جز يك تصور باطل چیز دیگری نباشد.

...

شب فرارسید و لیزا نزد جف آمد او لیرمانند جف به همسایه روبرو مظنون شده بود تا اینکه ناکمان پس از چندین ساعت پنجره اتاق روبرو روشن شد و جف و لیزا مشاهد کردند که وی با يك سطل آب و اسفنج مشغول شستن دیوار اتاق است. پس از دیدن این منظره سوء ظن جف شدت بیشتری یافت و فکر کرد که توروالد مشغول معو کردن آثار جنایت خود میباشد جف دور بین خود را جلوی چشم گرفت و ناکمان گفت:

— کیف همسر توروالد روی میز قرار دارد. توروالد در آن را باز کرد... چند شیئی مختلف از آن بیرون آورد... يك انگشتر... این حلقه ازدواج همسر اوست!

چند لحظه بعد، لیزا پس از این که اتاق روبرو را با دور بین تماشا کرد، گفت: — راست می گویی، این يك حلقه ازدواج است و محققا متعلق به همسر اوست و اگر همسری بسافرت رفته باشد هیچگاه



به پلکان بود رفت و بیرون را نگاه کرد. ناگهان دستی او را از پشت سر گرفت و به عقب پرتاب کرد. جف در اتاق دوپرو با مشاهده این منظره فریاد زد:

لیزا بخطر افتاد!  
و حرکتی برای برخاستن نخواست داد اما استلا با نااحتی گفت:  
— با این پاچطور می خواهید بکیم لیزا بروید؟ مگر دیوانه شده اید؟  
در اتاق دوپرو کشمکش هم چنان بین لیزا و قاتل ادامه داشت کلمات قاتل بزرمت شنیده می شد و— جف و استلا شنیدند که می گفت: «در اتاق من چه میکنی؟... دزد!... کیف را بده بمن!»  
لیزا دور میز می چرخید و قاتل او را تعقیب می کرد بالاخره موفق شد که لیزا را بچنگ آورده و کیف را از دست او خارج کند استلا فریاد زد:

— زود پلیس را خبر کنید. من باین میروم تا وقتی آمدند آنها را راهنمایی کنم.

جف گوش را برداشت:  
— آو؟. پلیس؟. دختر جوانی در چنگ يك قاتل گرفتار شد. کمک کنید.  
آبادرمان ۳۷ گریتوی بیچ و بلیچ.

جف از پنجره توسط قاتل پرتاب شد و يك پای سالمش نیز شکست اما خوشحال بود از اینکه بالاخره قاتلی بگیرد اعمال خود رسیده است باز کنید. پلیس!  
نزاع میان دختر شجاع و قاتل ادامه داشت. چند لحظه بعد صدای بوق اتومبیل پلیس بگوش رسید و بعد جلوی آبادرمان توقف کردند. پلیس در اتاق قاتل را کو بد:

### ((مریلین مونرو)) باز هم سر و صدای جدیدی بر اه انداخته است!



همانطور که در شماره های قبلی با اطلاع خوانندگان رسیده، «مریلین مونرو» اخیراً از بازی در فیلم «خارش هفت ساله» فارغ شده است. این فیلم در نوع خود داستان جالب و کمیکی دارد و چندین سال روی صحنه تماشاخانه های برودوی بوده است. در يك صحنه از فیلم مریلین مونرو در خیابان گرفتاری عجیبی پیدا میکند بدین معنی که روی يك پنجره کف زمین ایستاده و از درون پنجره بادشیدی بزرگ میوزد و اسرار نهفته را فاش میسازد! موقع تهیه این صحنه «جودینا کیو» شوهر سابق مریلین مونرو و «والتر وینچل» خبرنگار معروف و عده زیادی از هواخواهان مریلین مونرو در خیابان پنجم نیویورک که فیلم در آنجا تهیه میشد حضور داشتند و برای العین هنرنمایی (۱) مریلین مونرو را تماشا کردند. هنگام فیلمبرداری این صحنه مردمی که در آنجا جمع بودند لذت فراوانی بردند و این لذت حتی نصیب مامورین سانسور نیز شد ولی متأسفانه تماشاچیان امریکایی قادر بنمایش این صحنه نخواهند بود زیرا «لژیون پاکدامنی امریکا» که از عده ای از زنان بیرو جا افتاده تشکیل یافته با این صحنه مخالفت شدید بعمل آورده و آنرا خلاف اخلاق عمومی اعلام کرده است. هنوز کشمکش بین کپانی فوکس و لژیون ادامه دارد و معلوم نیست نتیجه این مبارزه چه خواهد بود.

## روابط حقوقی

(بقیه از صفحه ۲)

این اجازه شامل فیلم‌های کوتاه و معمولی می‌باشد و منظور از آن اینست که مخالف مصالح عمومی و اخلاق نباشد و زحمات تهیه‌کننده‌گان فیلم بوسیله کمیسیون سانسور از بین نرود. تهیه فیلم‌های معین سیاسی و مذهبی و مخالف اخلاق و یا پلانیهای مخصوصی میتواند از طرف شورای عالی متنوع اعلام شود. اجازه فیلمبرداری از مناطق متنوعه - مراکز نظامی - مناظر هوایی و غیره با شورا عالی است و دولت موظف است که استودیوها را در این مورد کمک نماید. (تصویبنامه ۲۱ ژانویه ۱۹۵۴) مهمتر از همه اینها اینکه شورا عالی سینمای توکرافی مجاز است نسبت به فیلمهاییکه با سفارش کانون ملی فیلم و نظر خود شورای دارای ارزش هنری - فنی - علمی - اخلاقی و غیره هستند کمک مالی بنماید. این کمک از وجوه «صندوق کمک بصنعت سینما» که به وسیله قانون ۶ اوت ۱۹۵۳ بوجود آمده است صورت میگیرد. سرمایه این صندوق را مالیات و عوارض بر فیلمها تشکیل میدهد. مالیات بر فیلمها بر دو نوع میباشد یکی مالیات بر بلیطهای سینما و دیگری مالیات بر فیلمها. مالیات بر بلیطهای سینما تصد فرانک ۵ درصد - تا ۱۵۰ فرانک ۱۰ درصد و برای بلیطهای بیش از ۱۵۰ فرانک برای هر ۵۰ فرانک ۵ فرانک است مثلاً از بلیط یک سینما در شانزده لیزه که ۳۵۰ فرانک باشد ۳۵ فرانک مالیات گرفته میشود.

عوارض فیلمها نیز باین ترتیب است: فیلمهای فرانسوی و یساناطق فرانسه که طولشان در حدود ۱۳۰ متر باشد - برای هر متر ۵ فرانک. فیلمهای خارجی یا بزبانهای خارجی که طولشان در حدود ۱۳۰ متر باشد - برای هر متر ۵ فرانک. فیلمهای کوتاه برای هر متر ۵ فرانک درآمدی که بدین ترتیب عاید صندوق کمک بصنعت سینما میشود صرف کمک به فیلمهای معین و اعطای جوائز به فیلمهای با ارزش و کمک به استودیوها برای بهبود وسایل فنی و هنری آنان میگردد.

پس از اینکه تهیه فیلم به پایان رسید توسط کمیسیون سانسور که شعبه‌ای از «شورای عالی سینما توکرافی» است مشاهده میشود و پروانه نمایش آن صادر میگردد (تصویبنامه ۳ ژوئیه ۱۹۴۵) در فرانسه

## اخبار

(بقیه از صفحه ۵)

باتفاق «اوا گاردنر» و «استوارت کرینجر» بکشور پاکستان مسافرت نودم و دو آنجا مشغول فیلمبرداری فیلم (چهارراه بوانی) میباشند. کیبانی مترو گلدوین مایر این فیلم را بطریقه سینماسکوپ و تمام رنگی تهیه مینماید. در وهله اول قرار بود بجای استوارت کرینجر، هنرپیشه بزرگ دیگری این کیبانی یعنی رابرت تیلور دل اول را داشته باشد ولی کیبانی مترو در آخرین لحظه تصمیم خود را عوض کرد و برای اولین بار اوا گاردنر و استوارت کرینجر را در یکی از بهترین فیلمهای خود شرکت داد.



## اوا گاردنر

بطور کلی مقررات سانسور خیلی شدید نیست ولی در بهترین فیلمها هم موضوعات مسائل جنسی و یا آدمکشی باشد برای اشخاص کمتر از ۱۶ سال ممنوع اعلام میشوند و این موضوع شدیداً مراعات میگردد. کمیسیون سانسور در ضمن عده کپی‌های فیلم را که استودیو اجازه دارد تهیه کند معین مینماید (تصویبنامه ۲ دسامبر ۱۹۴۷)

توزیع و نمایش فیلمها نیز از کنترل دولت خسار نیست. اجازه توزیع - عوارض دولتی - قیمت بلیطها (بر حسب تعرفه‌ای که در فوق ذکر گردید) - تعداد سالنهاییکه اجازه نمایش فیلم را دارند - نظارت در سالنهای نمایش - اجازه صدور فیلم بخارج و تعیین مالیاتی که بر درآمد هر فیلم در خارج تعلق میگیرد از وظایف «شورای عالی سینما توکرافی» میباشد.

برای اینکه از اطاله کلام جلوگیری شود مطلب را در همینجا خاتمه میدهم و

## پنج‌ره روبحیاط

دزد معرفی خواهد کرد و حدس وی وقتی شدت یافت که مشاهده کرد حلقه همسر قاتل در دست لیزا است. بالاخره پلیس لیزا را بعنوان دزد دستگیر کرد جف فوراً با تلفن دوئل را خبر کرد بعد از رفتن پلیس قاتل جلوی پنجره آمد و مشغول استنشام هوای تازه شد ناگهان متوجه جف شد که از لای پرده‌ها بسا دور بین او را تماشا می‌کرد قاتل بایک نگاه همه چیز را فهمید و بایک تصمیم ناگهانی از اتاق خارج شد. بسا عجله حیاط را پیود از پله‌ها بالا رفت و داخل اتاق جف شد و بدون مقدمه پرسید:

از من چه می‌خواهید؟!

جف با پوز خندی نگاه تهدید کننده قاتل را پاسخ گفت. قاتل هم چنان پیش می‌آمد. جف فکری به‌خاطرش رسید. دور بین عکاسی خود را برداشت و فلاش را مستقیماً در چشمان قاتل روشن کرد. قاتل چند لحظه تحت تأثیر شدت نور قرار گرفت و موقتاً کور شد ولی باز بطرف جف قدم برمی‌داشت. جف دومین وسوسه لامپ را روشن کرد. بعد قاتل وحشیانه بطرف جف خیز برداشت و روی او پرید قاتل تصمیم گرفته بود اسرار قتل را بسا پرت کردن جف از پنجره به حیاط برای همیشه معفی سازد. جف نا امیدانه تلاش می‌کرد... در آخرین لحظه بهرانی دوئل بهراهی چند نفر پلیس وارد اتاق شد ولی دیگر دیر شده بود و جف در قسمت خارجی پنجره قرار داشت و بعد ناگهان در فضا رها شد...

جف بی‌حرکت روی آجرهای حیاط تیش زمین شده بود. لیزا مضطرب و پریشان خودش را به عجله بالای سراو رساند و سرش را در آغوش گرفت. در آن لحظات جف وحشت تنهایی را بیشتر از همیشه حس میکرد و فهمید که چقدر به لیزا و محبت کرانه‌های او احتیاج دارد. «پایان»

متذکر میشویم که در ایران هم اگر بخواهیم مسائل مربوط به سینما حل شود و هر روز شهرداری مزاحم استودیوها نشده و صاحبان استودیوها هم ناچار شوند دندان طمع خود را کتند به عایدات کم قناعت و حقوق هنرپیشگان و کارمندان فنی و همچنین عوارض دولتی را تمام و کمال بردارند و در ضمن استفاده هم بپردازند خواهیم دید که قوانین مربوط به سینما در ایران بصورت تصویبنامه دولت و خواه بصورت قانون تدوین کنیم تا باین اختلافات خاتمه داده شود.

سینمای بزرگ

سینمای مجلل

سعدی

رویال

شیرین ترین کمدی سال ، عالی ترین کمدی سال ، بهترین کمدی سال ، لذیذترین کمدی سال  
و بالاخره ...

پر سر و صداترین کمدی سال

LA VIE EST BELLE

لذت زندگی

دوبله

بفارسی

در

استودیو

شهاب



روژاپیر - ژان مارک تی بر - ورونیک زوبر

ژیلبرت به کر

با صدای خواننده معروف عالم

لذت زندگی!

بهترین برنامه ایام عید

ASIL.N.A.CO



## استودیو اطلس فیلم

در آینده‌ای نزدیک دومین محصول خود را هدیه میکند

## (( دست تقدیر ))

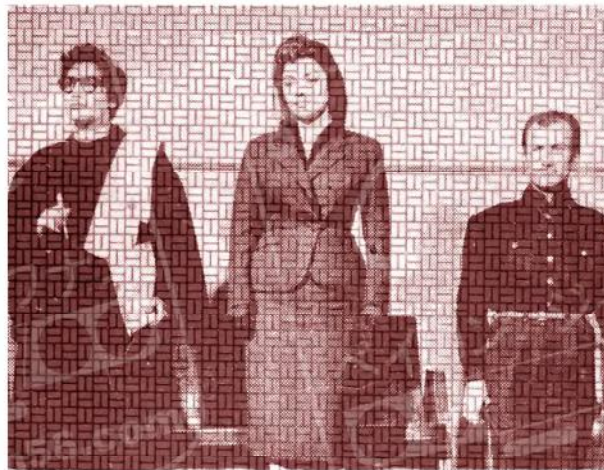
با ارزشترین اثر درام اجتماعی سینمای فارسی

با شرکت :

سازنگ

بهشتی

مانی



با شرکت :

مهین دیرم

آزاده

نادره

مصداق - زندگی - شریف - قبادی و « چشم‌پیک مهرداد »

سناریست و کارگردان : گرجی

دیالوگ از : حبیب‌الله کسمانی

فیلمبردار : قدرت‌الله احسانی

